پیام بھائی

شمارہ ۱۳۵ فوریہ ۱۹۹۱

فهرست

۱ - از آثار مقدسه.....۳
۲ - سرمقاله: کنگره جهانی بهائی..... ۵
۳ - عهد و میثاق الهی و آزادی حقیقی انسان....۸
٤ - نیویورك مدینه میثاق..... ....۱۱
٥ - شعر عهد و میثاق..... .۱٦
٦ - شرح حال ایادی امرالله شعاع الله علائی ۱۷
۷ - معرفی کتاب "نظم جهانی بهائی".....۲۱
۸ - کنز اسرار.....۲٤
۹ - ایام ها.....۲٥
۱۰ - اخبار جامعه جهانی بهائی.. .....۲٦
۱۱ - نامه های خوانندگان.....۲۹

*

روی جلد: ایادی امرالله متصاعد الی الله شعاع الله علائی. رجوع فرمائید به صفحه ۱۷.

پشت جلد: محل کنفرانس جهانی بهائی که از ۲۳ تا ۲٦ نوامبر۱۹۹۲ بمناسبت یکصدمین سال اعلان عهد و میثاق الهی در شهر نیویورك "مدینه میثاق" تشکیل خواهد شد. انتظار میرود هزاران نفر از یاران از سراسر دنیا در این کنفرانس عظیم تاریخی شرکت جویند. به مقالات صفحات ٥ - ۸ و ۱۱ و ۱٦ که به موضوع عهد و میثاق الهی اختصاص یافته مراجعه فرمائید.

توجه: شماره آینده مجله بجای اول مارچ ۱٥ مارچ توزیع خواهد شد تا حدود عید نوروز بدست خوانندگان عزیز برسد.

تقویم ماه

۷ فوریه، آغاز شهر الملك ، ضیافت نوزده روزه

۲٦ تا ۲۸ فوریه ایام هاء

رویدادهای مهّم تاریخی

دوم فوریه ۱۸٤۹ شهادت جناب ملا حسین بشرویه ای در طبرسی.

چهارم فوریه ۱۹۳٦ آخرین ملاقات مارثاروت با علیا حضرت ماری ملکه رومانی.

دوازده فوریه ۱۹٥۳ نخستین کنفرانس تبلیغی بین القارات در کامپالا، آغاز نقشهء جهانی جهاد روحانی ده ساله (۱۲تا ۱۸ فوریه).

دوازده فوریه ۱۹۸۰ صعود ایادی امرالله حسن بالیوزی در لندن.

هفدهم فوریه ۱۹٤۱ صعود ایادی امرالله جناب جان هاید دان در استرالیا.

هفدهم فوریه ۱۹٦۸ اقبال عالیجناب پادشاه ساموای غربی به امر الهی.

۲۸ فوریه ۱۸۹٤ افتتاح اولین مرکز بهائی در غرب شیکاگو امریکا.

۲۸ فوریه ۱۹۱۹ صعود ایادی امرالله جناب حاج میرزا محمد تقی ابن ابهر که از طرف جمال اقدس ابهی به سمت ایادی برگزیده شده بودند.

۲۹ فوریه ۱۹٥۲ نفوس زیر از طرف حضرت ولی امرالله به سمت ایادی امرالله انتخاب شدند: کلارا دان، آدلبرت مولشلگل، شعاع الله علائی، ذکر الله خادم، کارنی ترو، زیگفرید شوفلاخر.

پیام بهائی نشریهء ماهانه محفل روحانی ملی فرانسه برای بهائیان.
نشانی دفتر اداری و امور اشتراك:
B.P. 9
06240 Beausoleil
FRANCE

"Payám- i- Bahá'i"
Supplemént de "BAHÁT FRANCE"
Publié par l'Ass emblée spirituelle
Nationale des Baha'is de France.
45 Rue Pergolese,
75116 Paris,FRANCE
Tel. (01) 45 oo 90 26)

از آثار مبارکه

حرب مماتست وصلح حیات

حضرت عبدالبهاء در جواب نامه جمعیت صلح لاهای فرموده اند : حرب ویرانی است صلح عمومی آبادی ، حرب ممات است وصلح حیات ، حرب درندگی وخونخواری وصلح مهربانی وانسانی ، حرب از مقتضای عالم طبیعت است وصلح از اساس دین الهی . حرب ظلمت اندر ظلمت است وصلح انوار آسمانی . حرب هادم بنیان آسمانی وصلح حیات ابدی عالم انسانی ، حرب مشابهت باگرگ خونخوار است وصلح مشابهت با ملائکه آسمانی . حرب منازعه بقاست صلح تعاون و تعاضد بین ملل در این جهان وسبب رضایت حق در جهان آسمانی ... حال صلح عمومی امری است عظیم ولی وحدت وجدان لازم است که اساس این امر عظیم گردد تا اساس متین شود وبنیان رزین گردد .

وقوله العزیز : تا رایت صلح عمومی بلند نگردد ، محکمه کبری برای عالم انسانی تشکیل نشود وجمیع امور ما به الاختلاف دول وملل در آن محکمه قطع وفصل نگردد عالم آفرینش آسایش نیابد بلکه هر روز بنیان بشر زیر وزبر گردد وآتش فتنه زبانه کشد وممالک قریب وبعید را مثل خاکستر کند جوانان نورسیده هدف تیر اعتساف گردند ، اطفال مظلوم یتیم بی پرستار مانند ومادرهای مهربان در ماتم نوجوانان خویش نوحه وندبه نمایند شهرها خراب شود وممالک ویران گردد چاره این ظلم واعتساف ، صلح عمومی است .

ونیز فرموده اند : حیوان درنده اگر روزی برای خوراک نهایت یک شکار میکند ولی انسان بی رحم روزی صد هزار نفر را برای شهرت وریاست میدرد اگر گرگی گوسفندی را بدرد اورا میکشند امّا اگر شخصی صد هزار نفر را به خاک وخون آغشته نماید اورا مارشال وجنرال گویند وتعظیم وتکریم کنند اگر انسانی انسانی را بکشد یا خانه ای را بسوزاند اورا قاتل ومجرم خوانند امّا اگر اردوئی را برباد نماید ومملکتی را زیر وزبر کند اورا فاتح نامند وپرستش کنند اگر کسی یک دلار بدزدد اورا حبس نمایند امّا اگر خانمان رعایا را غارت وشهری را تالان وتاراج کند اورا سردار نامند وآفرین گویند .

ایضاً از آن حضرت است : همه روی زمین یک کره است یک وطن است خدا تقسیمی نکرده همه را یکسان خلق نموده پیش او از اختلاف جزئی نیست تقسیمی را که خدا نکرده چطور انسان مینماید ؟ اینها اوهام است ببینید جمیع اروپا یک قطعه است

و ما آمده ایم خطوط وهمی معیّن کرده ایم و نهری را حدّ قرار داده که این طرف فرنسا و آن طرف آلمانیاست وحال انکه نهر برای طرفین است این چه اوهامی است این چه غفلتی است چیزی راکه خدا خلق نکرده ما آنرا به گمان سبب نزاع و قتال قرار میدهیم پس همه این تعصبات باطل است . (تا اینجا از جلد چهارم امر و خلق)

در خطابات مبارکه است : زمین ملک خداست جمیع ملل و دول مانند مستأجرند عاقبت از دست کل خواهد رفت و للّه میراث السّموات و الأرض برای این مدّت قلیله که مانند استیجار است با یکدیگر نزاع کنند ، جدال نمایند ، خون ریزیها کنند نظیر سباع ضاریه و گرگان تیز چنگ یکدیگر را بدرند وحال آنکه خدا انسان را مظهر فضائل عالم انسانی خلق نموده که سبب راحت و آسایش عالم بشود ، سبب محبّت و اُلفت باشد ، نورانی باشد ، و عادل باشد ، انصاف داشته باشد ، تعدّی نکند ، مُعاونت یکدیگر نمایند ، مهربانی بین بشر حصول پذیرد ، خدا اینطور میخواهد ، سبب سعادت عالم انسانی و عزّت بشر این است لکن وا اسفا که بشر برخلاف رضای خدا حرکت میکند در اُمورے میکوشد که سبب ذلّت بشر است سبب رُسوائی عالم انسانی است .

معانی لُغات دشوار :

حَرب - جنگ ، ممات - مرگ ، هادم - ویران کننده ، رزین - محکم ، رایت - بیرق ، اعتساف - ظلم و ستم معاونت - کمک و یاری ، سباع ضاریه - حیوانات درنده موذی .

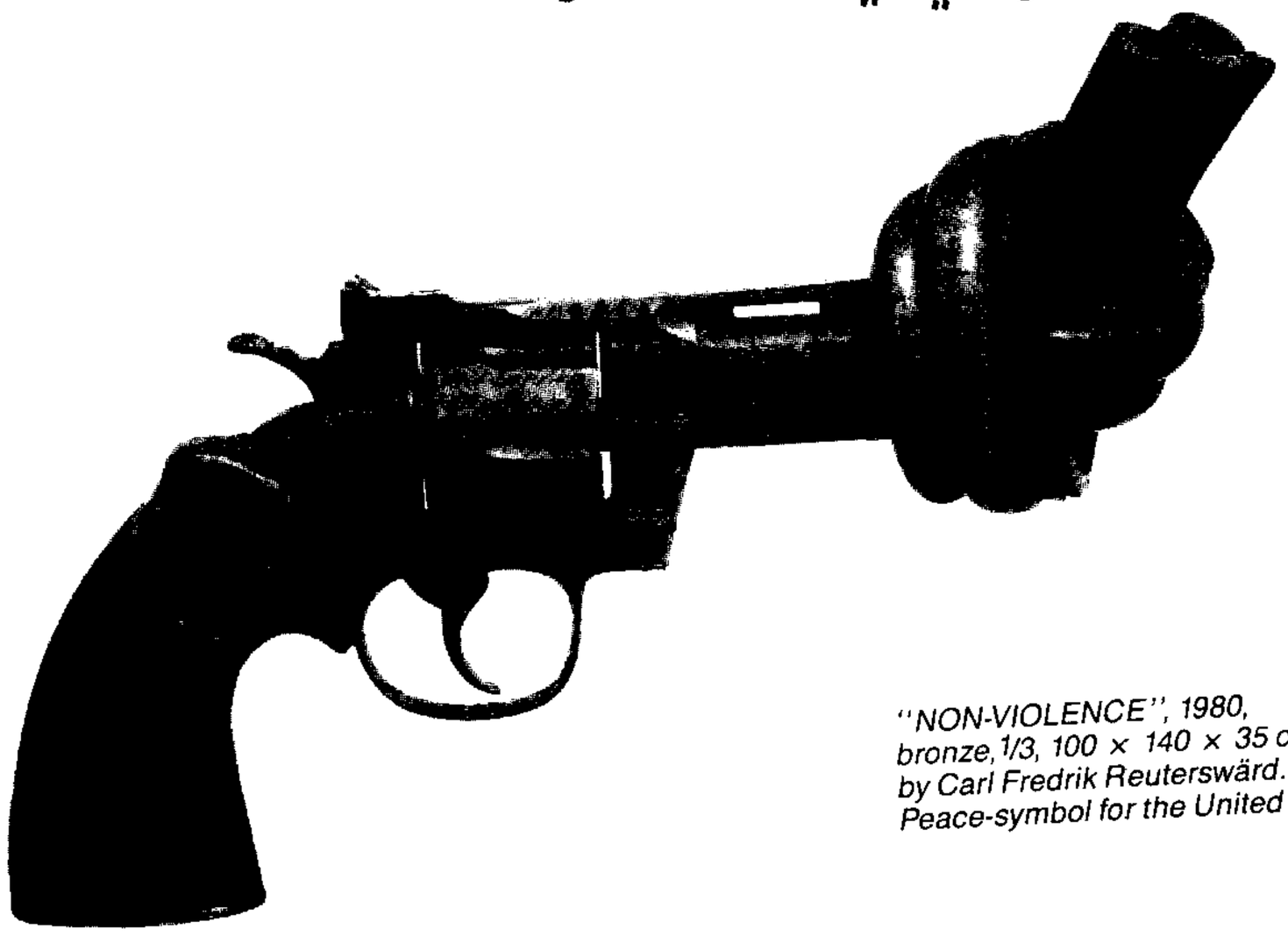

"NON-VIOLENCE", 1980,
bronze, 1/3, 100 × 140 × 35 cm,
by Carl Fredrik Reuterswärd.
Peace-symbol for the United Nations,

سخن ماه

کنگرهء جهانی بهائی

ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن

بموجب پیام منیع دیوان عدل اعظم الهی خطاب به جمیع محافل ملیّه مورخ ماه جون ۱۹۹۰ از بیست و سوم تا بیست و ششم ماه نوامبر سال ۱۹۹۲ که به سنهء مقدسه تسمیه یافته اهل بهاء شاهد احتفال بیمثال و تاریخی بنام کنگرهء جهانی بهائی در مدینهء میثاق(۱) خواهند بود و در جشن باشکوه یکصدمین سال اعلان عهد و میثاق نیّر آفاق شرکت خواهند نمود لهذا چند فقره از نصوص مبارکه راجع بعظمت و رفعت و علو مقام کتاب مقدس عهد مولی الانام زیب این مقاله میشود و در عین حال نگارنده بخوبی میداند که خوانندگان محترم این بیانات متعالیّه را از پیش مطالعه فرموده و بخاطر سپرده اند با وجود این بمفاد کلّما کررّته زادت حلاوته تکرار را مفید میشمارد.

درکتاب مستطاب عهد که بخط مبارك جمال اقدس ابهی عزّ نزول یافته این بیانات صریحه راجع به مرکز میثاق صادر قوله عزّ بیانه:

"وصیّة الله آنکه باید اغصان و افنان و منتسبین طرّاً بغضن اعظم ناظر باشند. انظروا ما انزلناه فی کتابی الاقدس اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل توجّهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم مقصود از این آیهء مبارکه غصن اعظم بوده کذلك اظهرنا الامر فضلاً من عندنا و انا الفضّال الکریم."

از قلم ملهم حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء راجع بعظمت و متانت و صراحت این کتاب مقدس در الواح کثیره بیانات عدیده صادر گردیده که دراین مقام بنقل چند فقره مبادرت میشود قوله عزّ بیانه:

"...باثر قلم اعلی عهد و میثاقی عظیم از جمیع بهائیان گرفت که بعد از صعود متابعت مرکز میثاق نمایند و سر موئی از اطاعت او انحراف نجویند... از خصائص دور حضرت بهاءالله که در دورهای سابق نبوده است یکی این است که حضرت بهاءالله مجال اختلاف نگذاشت زیرا در یوم مبارکش باثر قلم اعلی عهد و میثاق گرفته و مرجع کلّ را بیان فرموده ومبیّن کتاب را تصریح کرده و ابواب تأویل را مسدودنموده."(۲)

"اعظم تجلّی جمال قدم در این بزم اتّم در هیکل میثاق جلوه فرمود وبر آفاق اشراق نمود..."(۳)

"الیوم میزان صدق ثبوت بر پیمان حضرت رحمن است چه که صد هزار ایمان و ایقان بدون ثبوت بر عهد و پیمان یزدان بِجُوی نیرزد..."(٤)

"الیوم اعظم مواهب الهیّه تمسّك بعهد و پیمان است... چه که سرادق امر الله باین عمود برپاست... و اگر معاذالله در این اساس متین وهنی واقع شود بکلی این بنیان الهی منهدم شود..."(٥) انتهی

برای تجسّم عظمت مقام عهد و میثاق الهی در

دور بهائی باید تاریخ ادیان سالفه را ولو باجمال و اختصار تصفّح نمود وعلّت اصلی انشقاق و اختلاف وخونریزی مذهبی را که مع الاسف در زمان ما نیز هنوز ادامه دارد تفحّص کرد تا این بیان معجزنشان حضرت عبدالبهاء چون شمس فی وسط السّمآء بر قرون و اعصار پرتو افشانی نماید قوله الاحلی:

"جمیع باید شکر خدا کنند که در این دور مبارك کلّ را راحت فرموده و مجالی برای تردّد نگذاشته..."(٦)

دیانت حضرت مسیح به صدها فرقه و شعبه که هر کدام با دیگری مخالف و متفاوت است انشعاب یافته و پیروان فرق مختلفه از صدر مسیحیّت تا کنون بیکدیگر تاخته و با آنکه کلّ بیك پیامبر آسمانی معتقد و بیك کتاب متمسّکند بر سر مسائل فرعیه و تأویلات متباینه زمین را با خون همکیشان خویش رنگین نموده اند. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارکه در پاریس پس از بیان تعالیم اساسیّه انجیل جلیل چنین میفرمایند:

"این تعالیم حضرت مسیح است.... اما چه فائده و واسفا که می بینی چقدر خونریزی میشود، چقدر نفوس که دراین مدّت از طرف ملّت مسیح کشته شدند در مسئله پروتستان و کاتولیك بموجب تاریخ نهصد هزار نفس کشته شدند حال این قضیّه چه مناسبت با تعالیم مسیح دارد...."(۷)

"...بعضی از پاپها نفوس کثیره بیگناه را کشتند.... هزاران خادمان عالم انسانی اهل معارف را که کشف اسرار کائنات کردند زجر کردند حبس و محو نمودند...به بینید که چقدر از پروتستان را کشتند... چه شکنجه و عقوبتها نمودند...."(۸)

بنص صریح تاریخ کاتولیك ها شب ٢٤ اوت ۱۵۷۲ پیروان ژان کالوین را در پاریس قتل عام کردند و این کشتار سه روز ادامه داشت و بعد در تمام فرانسه هزاران نفر از کالوینیست ها را مقتول و مخذول نمودند.

انشقاق و تحزّب در دین مبین اسلام و ادیان سائره نیز بهمین منوال بوده و شرح و توضیح آن موجب تطویل کلام خواهد بود و اگر خوانندگان ارجمند بار دگر فصل مربوط به "بیان فرق هریك از ادیان" را در کتاب نفیس وشهیر "فرائد" ابوالفضائل وکتبی مانند "فرق الشیعه" نوبختی مطالعه نمایند بعلت اصلی اینهمه اختلاف و خونریزی بنام دین و مذهب بیشتر از پیشتر واقف وآگاه خواهند گشت و بفرموده‌ء جناب ابوالفضائل "چون احکام الهیّه ازمبیّن حقیقی استفهام نگردد و محوّل باستنباط ارباب اجتهاد شود....ناچار باختلاف آراء و تعدّد مذاهب منتهی خواهد شد." عدم توجّه مؤمنین در ادیان سالفه به اشارات و تلویحات شفاهیّه‌ء مؤسسین ادیان نیز مزید بر علّت گردیده و اینهمه خونریزی و بدبختی ببار آورده است. در پرتو کتاب مستطاب عهد که بفرموده‌ء حضرت مولی الوری قوله الاحلی "از اوّل ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده..."(۹) الحمدللّه جامعه‌ء بهائی از هر گونه انشقاق و تفرقه محفوظ مانده و بموجب نصوص الواح وصایای مبارکه‌ء حضرت عبدالبهاء تکلیف اهل بها برای سالیان دراز در آینده نیز معلوم و مکشوف گشته و توجه و اطاعت مؤمنین به حضرت غصن ممتاز ولی مقدس امراللّه و مبیّن آیات اللّه و بیت العدل اعظم آنمقام منصوص و ملهم علّت انتصارات و فتوحات عظیمه بوده و هست و بر اثر وحدت جامعه و تمسّك به عهد و میثاق ربّ البریّه در طول یکصد و اندی سال از حین اشراق شمس حقیقت الی حال با وجود

مصائب وفیره و بلایای مبرمه و رزایای متنوعه و مقاومت و مخالفت سلاطین مستبده وسفك دماء بیست هزار شهید که بفرمودهء جمال اقدس ابهی قوله الاعلی: "اگر کتب استدلالیّه این قوم در اثبات ما هم علیه بدماء مسفوکه فی سبیله تعالی مرقوم میشد هر آینه کتب لایحصی ما بین بریّه ظاهر و مشهود بود..." (۱۰) امر مبارك بمقامی از علّو و سموّ و ارتفاع رسیده که بیان مبارك "سوف یحیط الارض و من علیها" معرّف آن است و ارقام ذیل شاهد آن:

بموجب احصائیه سال ۱۹۸۹ تعداد محافل ملیّه از یکصد و پنجاه و یك (۱۵۱) تجاوز نموده و شمارهء محافل محلیه به هیجده هزار و دویست و هفتاد و چهار (۱۸،۲۷٤) محفل بالغ گشته و عدهء نقاطی که تعداد احبا هنوز بحد نصاب محفل روحانی نرسیده به یازده هزار و یکصد و نود و یك (۱۱،۱۹۱) نقطه رسیده و آثار امریه به هشتصد و دو زبان ترجمه گردیده است و بشهادت مندرجات انسیکلوپدی بریطانیك دیانت بهائی من حیث الانتشار بعد از مسیحیت درمقام ثانی قرار گرفته است. این فتوحات عظیمه که در مدّت یکصد و اندی سال نصیب آئین حضرت ذوالجلال شده باثر قلم اعلی و بیانات مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه پیش بینی شده است. جمال قدم جلّ اسمه الاعظم میفرمایند قوله الاعلی:

"آنچه دراین ظهور امنع اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد." (۱۱) "آنچه نازل شده کلمه بکلمه در ارض ظاهر شده و میشود." (۱۲) "فسوف یحیط الارض و من علیها" (۱۳) "عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همهء بلاد مرتفع بینی" (۱٤)

حضرت مولی الوری میفرمایند قوله الاحلی:

"عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لبیّك لبیّك مرتفع خواهد شد" (۱۵) "الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات در آخر این قرن وعصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی" (۱٦) انتهی

باش تا صبح دولتش بدمد
کاین هنوز از نتایج سحر است

خاتمهء این مقاله به بیانات مبارکهء مولای توانا حضرت ولی امرالله زینت میابد لیکون ختامه مسك:

"بعقیده راسخ این عبد اولین وظیفه هر یك از پیروان با وفای امر حضرت بهاءالله آن است که همواره سعی موفور و مستمر مبذول دارد تا مقصد و اهمیّت این امر اعظم را بهتر درك نماید.... زیرا باین ترتیب در ترویج امرالله الهامات جدیده رخ بگشاید و سبب مزید توفیق گردد." (۱۷)

منابع و مآخذ این مقاله

۱ – راجع به عظمت و کیفیّت عهد و میثاق الهی که پس از تلاوت سورهء غصن در احتفال عمومی از احبای نیویورك بعمل آمد و بعداً آن مدینه از لسان اطهر به مدینهء میثاق تسمیه گردید از ترجمهء کتاب مستطاب God Passes By قسمت سوّم.
۲ – لوح مبارك بافتخار یکی از احباء مقیم واشنگتن
۳ – مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول صفحه ٤١٤.
٤ – مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد هشتم صفحه ۳۵.
۵ – مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد هشتم صفحه ٦٧.
٦ – لوح مبارك بافتخار یکی از احباء مقیم واشنگتن.
۷ – مجموعهء خطابات حضرت عبدالبهاء صفحه ۱۰٦.
۸ – مفاوضات مبارك.
۹ – توقیع مبارك دور بهائی چاپ آلمان صفحه ٦۲ و۷۵.
۱۰ – لوح مبارك خطاب به سلطان ایران.
۱۱ – توقیع مبارك دور بهائی چاپ آلمان صفحهء ۱٤.
۱۲ – لوح مبارك خطاب به ابن ذئب صفحه ۱۱۱.
۱۳ – لوح مبارك مشهور به لوح رئیس.
۱٤ – ایقان مبارك صفحهء ٦۰.
۱۵ – توقیع مبارك دور بهائی صفحهء ۲٦.
۱٦ – توقیع مبارك دور بهائی صفحه ۲٦.
۱۷ – توقیع مبارك دور بهائی صفحهء ٦.

عهد و میثاق الهی
و آزادی حقیقی انسان

دکترمنوچهر مفیدی

بیت العدل اعظم در پیام مبارک "حقوق فردی و آزادی در امر بهائی (۱)" باین نکته اشاره میفرمایند که آزادی کامل از طرف خالق مهربان به انسان عطا شده است که به اختیار خود خدا و مظهر امرش را بپذیرد و به اوامر و نواهی ناظر باشد و "وسیله اجرای این دو وظیفه جدا ناپذیر" یعنی قبول مظهر ظهور و اجرای اوامر را دراین عصر نورانی عهد و میثاق الهی ذکر میفرمایند.

بنابر این زمانی که بشر بوجود خدا قائل شد و مظهر ظهور را قبول کرد موظف به اجرای حدود واحکام است. حضرت بهاء الله میفرمایند قوله الاحلی:

"...معرفت حقّ تمام و کامل نمیشود مگر بمتابعت آنچه امر فرموده و در کتاب الهی نازل شده..." (۲)

و کتاب مستطاب اقدس با این آیات بیّنات آغاز میگردد قوله العزیز:

"ان اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه ومطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بکل الخیر...اذا فزتم بهذالمقام الاسنی والافق الاعلی ینبغی لکل نفس ان یتبع ما امر به من لدی المقصود لانهما لایقبل احد هماد ون الآخر."

و در تجلّی اول از تجلیات قلم اعلی میفرماید:

"ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و هم چنین عمل به آنچه امر فرموده ودر کتاب از قلم اعلی نازل گشته..."

حضرت ولی عزیزامرالله با اشاره به کتاب مستطاب اقدس میفرمایند: "حضرت بهاءالله دراین سفر منیع پیروان امر بدیع را به نصایح الهیه و مَواعظ و حکم ربانیّه دعوت میفرماید... و حریت حقیقی را در اتخاذ و اتباع سنن واوامر ربانی میشمارد و نصیحت میفرماید که دراجرای حدود و مقررات الهیه آنان را رأفت اخذ ننماید و مقدم بر کل دو وظیفه اصلیه و فریضه اساسیه راکه عرفان مشرق وحي و مطلع امر الهی و اتّباع از حدود و احکام مقدسه یزدانی است تصریح و بنهایت تأکید واعلام میفرماید که این دو اصل پیوسته ملازم یکدیگر بوده و هیچ یك از آن بدون دیگری در ساحت قدس الهی ممدوح و مقبول نه "لایقبل احد هما دون الاخر"(۳)

عهد و میثاق که وسیله ایفای این دو وظیفه خطیر و این دو اصل اصیل است ود ر آثار امری به عهد اوفی - میزان کل شیئی- مغناطیس تأیید - لواء مقصود و عهد قدیم یاد گردیده چنین تعریف شده است: "درمعارف دینی عهد و میثاق عبارت از پیمانی است که حقّ جل جلاله با انسان می بندد و بموجب آن خدا از انسان کردار و رفتاری را انتظار دارد که اگر اطاعت نماید او را به عطایا و مواهب خویش مخصّص میسازد به عبارت دیگر خداوند متعال به نوع انسان نعم و مواهبی را عطا میفرماید و متقابلاً آنان را که از آن نعم و آلاء متنعّم شده اند متعهد میسازد تا به اعمال و رفتار مخصوصی که مرضی درگاه حق باشد عامل گردند مثلاً هر مظهر امری بموجب عهد و پیمان عام خویش با پیروان خود عهدی می بندد و وعده میدهد که در میقات مقرر مظهر ظهور دیگری ظاهر میشود و از آنان عهد میگیرد که دعوت آن مظهرخدا را اجابت نمایند. هم چنین آن مظهر ظهور بموجب عهد و پیمان خاص خویش با پیروان خود عهدی می بندد که پس از او با جانشین منصوصش بیعت نمایند اگر چنین کنند وحدت و صفای امر الهی محفوظ خواهد ماند والاّ به تفرقه دچار شده قوایش به هدر خواهد رفت. این

همان عهدی بود که جمال مبارك راجع به حضرت عبدالبهاء از پیروان خویش گرفت و حضرت عبدالبهاء چنین عهدی را از یاران الهی درباره نظم اداری بهائی گرفت تا علی ممرالدهور بدان توجه نمایند."(۵)ترجمه

از این تعریف این حقیقت روشن میشود که عهد و میثاق صرفاً قبول مظهر حقّ (عهد و میثاق عام) و یا جانشین و وصی او (عهد و میثاق خاص) نیست بلکه علاوه برآن اطاعت احکام واجرای اوامر منزله از ساحت قدس کبریائی نیز بخشی جدا ناپذیر از آن است.

بر اساس این حقیقت عدم رعایت احکام و یا توجه به مشتهیات نفسانیه نقض عهد بشمار میرود. جمال مبارك میفرمایند: "پس متابعت نفس ننمائید و عهد الله را مشکنید و نقض میثاق مکنیدو با استقامت تمام بدل و قلب و زبان به او توجه نمائید و مباشید از بی خردان."(٦)

معهد اعلی در پیام مبارك رضوان ۱۹۸۹ با تأکید بر تقلیب روحانی انسان که هدف اصلی آئین الهی است ترقی و تعالی آنرا آشنائی با ارادهء غالبه الهیه از طریق زیارت و مطالعه منظم آثار مبارکه وکلمات الهیه توصیه میفرمایند.

بعبارت دیگر ابتدا باید کلام خدا را بگوش جان شنید تا بر اراده اش آگاه شد و سپس مطابق آنچه امر کرده است عمل نمود تا بر عهد ومیثاقش ثابت بود ودر نتیجه با اتخاذ چنین روشی میتوان به آزادی حقیقی و زندگی پاینده که منظور نهائی امرالهی است فائز شد.

حضرت عبدالبهاء میفرمایند: "الیوم قوّه نباض در شریان آفاق روح میثاق است که سبب حیات است هر که از این روح زنده شد تولد تازه یافت و بروح القدس تعمید گرفت و حیاتش جمال و صفاتی تازه پذیرفت. از قید ظلم و عداوت و غفلت و قساوت برست واز مرگ روحانی نجات یافت و به زندگی پاینده‌رسید."(۷)

این شریان که با قوه عهد و میثاق در نبضان است ویا روح القدس تعمید میدهد واز مرگ روحانی نجات می بخشد و به زندگی پاینده میرساند حامل چه عاملی است و مآلاً درچه نقطه ای اثر میگذارد؟

جواب این سئوال کلمة الله است که ریشه در قلب بشر می دواند و شاخ و برگ به افلاك می کشاند. حضرت بهاءالله میفرمایند قوله العزیز: "...کلمهء الهی بمثابه نهال است مقر و مستقرش افئده عباد باید آنرا بکوثر حکمت و بیان تربیت نمائید تا اصلش ثابت گردد وفرعش از افلاك بگذرد..."(۸)

ایضاً در مقامی دیگر میفرمایند قوله الشریف: "عالم را کلمه مسخر نموده و مینماید اوست مفتاح اعظم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح."(۹)

عهد و میثاق قوه ای است که کلمة الله را از بدایت امر تا زمان نفوذش درقلب انسان حفظ میکند وآنرا از فساد افرادی که فهم خویش را یگانه ملاك اعتقاد صحیح تعالیم الهی میشمارند."(۱۰) مصون میدارد و از شرور نفوس جاه طلبی که مقصدی جز قبضه زمام امور و تحریف کلمة الله نداشته."(۱۱) محفوظ میدارد.

"کلمة الله" معانی ومفاهیم متعدد وگسترده ای دارد که در قالب فکر بشر نمی گنجد. جمال مبارك میفرمایند: "هستی عالم بآن معلق و منوط، احدی به عرفان آن کلمه علی ماهی علیها فائزنه" (۱۲)

کلمة الله که بواسطه بیانات مظهر امر الهی به انسان منتقل میشود زمانی به خود مظهر ظهور و گاهی به امرالله نیز اطلاق شده است و در مفاهیم بالاتر موجد امکان و عامل خلقت بحساب آمده است.

جمال اقدس ابهی در لوح مبارك حکمت خلقت را بر اثر حرارتی که از امتزاج فاعل و منفعل تولید میشود ذکر میفرمایند و خود فاعل ومنفعل را مخلوق کلمه الله میدانند و درهمین لوح مقدس آنرا فیض اعظم که علّت فیوضات است نامیده اند قوله الاحلی:

"انه ما انقطع عن العالم و هو فیض الاعظم الذی کان علّه الفیوضات و هو الکون المقدس عما کان و مایکون."(۱۳)

ید قدرت الهیه امر مقدسش را در این عصر نورانی بنحوی مستقر فرموده است که این فیض اعظم (کلمة الله) ازعالم قطع نشود و طوفان حوادث ومخالفت در اصالت و طهارت و استمرارش خللی وارد نسازد.

با تعیین دو وصی منصوص "اصالت و استمرار"

کلمة اللّه را تضمین فرموده است:

۱ – حضرت عبدالبهاء بر طبق کتاب عهدی مرکز عهد و پیمان الهی و مأمور تبیین کلمة اللّه شدند و هر تعبیر و تفسیر دیگری و حدیث و روایتی مردود شناخته شد.

در همین دوره "قوای خلاقه منبعثه از شریعت حضرت بهاءاللّه که در هویت حضرت عبدالبهاء حلول نمود و توسعه یافت در اثر تماس و تأثیرات متقابله" (۱٤) الواح وصایا را بوجود آورد که متمم کتاب اقدس محسوب گردید و رمزی از مقام (سرّ الهی) را برابر دیدگان مشتاق پیروانش بجای گذاشت. براساس این منشور ملکوتی وظیفه تبیین کلمة اللّه بوسیله ولی امراللّه بمدت ۳٦سال دیگر مداومت یافت و مقام و موقعیت و نحوه انتخاب و فعالیت وصی دیگر جمال اقدس ابهی یعنی بیت العدل اعظم در رأس تشکیلات نظم اداری روشن شد.

۲ – بیت العدل اعظم وصی دیگر حضرت بهاءاللّه با الهامات غیبیه و عنایات مفوضه و عصمت موهوبی علاوه بر تشریع قوانین لازمه غیر موضوعه کلمة اللّه را از تحریف و تغییر مصون میدارد و آنرا بکمال اصالت و طهارت از طریق قنوات نظم اداری بر قلوب مؤمنین القاء میفرماید و چون صدف گوهر گرانبهای امراللّه را محافظه مینماید و وظائف خطیره اش با "الهامات غیبیه" با این کلمات مقدسه در اساسنامه این مرجع مصون از خطا چنین درج شده‌است:

"... و حال همان قوه عظمیه میثاق مقاصد جانفزایش را بواسطهء اجرائات بیت العدل اعظم استقرار بخشد و بیت العدل اعظم که یکی از دو وصی حضرت بهاء اللّه و حضرت عبدالبهاء است مقصد اعلایش آنکه قدرت وسیطره الهیه که از مصدر شریعه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و وحدت جامعه پیروانش محفوظ گردد و تعالیمش ازتصرف وانحراف و تصلّب وانجماد بری و مصون ماند."(۱۵)

با چنین نظم اعظم و بدیعی زمانی که انسان حضرت بهاءاللّه را بعنوان مظهر ظهور برای این عصر پذیرفت مطمئن است که کلمة اللّه بقوت میثاق از دخل و تصرف و تبدیل و تحریف و تصلب و انجماد محفوظ مانده است واز طریق متابعت اوامر و احکام و اطاعت صرفه محضه بیت العدل اعظم وفای بعهد اللّه نماید و با زیارت و مطالعه آثار مبارکه ازخود خلقی جدید میسازد و تحول روحانی بوجود میآورد و به زندگی پاینده میرسد و به آزادی حقیقی فائز میگردد و این امر محدود به منطقه ای خاص از عالم نیست چنانکه جمال مبارک در لوح دنیا میفرمایند قوله العزیز:

"الحمداللّه حق جل جلاله بمفتاح قلم اعلی ابواب افئده و قلوب را گشوده و هر آیه از آیات منزله بابی است مبین از برای ظهور اخلاق روحانیه واعمال مقدسه. این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه ای نبوده و نیست باید اهل عالم طراً به آنچه نازل شده وظاهر گشته تمسّك نمایند تا به آزادی حقیقی فائز شوند."

منابع

۱ – پیام مبارك بیت العدل اعظم خطاب به پیروان جمال اقدس ابهی در آمریکا (۱۹۸۹).
۲ – لوح جمال اقدس ابهی (صفحه ۱۷٤ کتاب مجموعه الواح جمال مبارك که بعد از کتاب اقدس نازل شده).
۳ – کتاب قرن بدیع جلد دوم صفحه ۲۹۵.
٤ – پیام مبارك بیت العدل اعظم به پیروان جمال مبارك درآمریکا(۱۹۸۹).
۵ – قسمتی از پیام مبارك بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباء مورخ ۲۳ مارچ ۱۹۷۵ (مقدمه کتاب عهد و میثاق).
٦ – از آثار مقدسه حضرت بهاء اللّه نقل از منتخبات آثار مبارکه بهائی (کتاب عهد و میثاق).
۷ – از آثار حضرت عبدالبهاء (ترجمه – نجم باختر) نقل ازکتاب عهد و میثاق.
۸ – منتخباتی از آثار حضرت بهاءاللّه چاپ المان صفحه ٦۹.
۹ – لوح مبارك مقصود.
۱۰ – قسمتی از دستخط صادره از معهد اعلی ۳ ژانویه ۱۹۸۲.
۱۱ – قسمتی از دستخط بیت العدل اعظم ۱٤ ژانویه۱۹۷۹.
۱۲ – از آثار قلم اعلی (نقل از مقاله فاعلین و منفعلین نوشته جناب وحید رأفتی عندلیب شماره ۱۹ سال پنجم.
۱۳ –لوح مبارك حکمت
۱٤ – ترجمه نظم جهانی حضرت بهاءاللّه (صادره از یراعه مقدسه حضرت ولی امراللّه).
۱۵ – ترجمه قانون اساسی بیت العدل اعظم.

چگونه نیویورک مدینه میثاق لقب گرفت

بقلم: دکتر منوچهر مفیدی

"فی الحقیقه نیویورك در مدنیّت نهایت ترقی کرده است. امید است در روحانیت نیز چنان سبقت گیرد که یاران رحمانی این مدینه سبب نورانیّت آمریکا شوند و نیویورك مرکز محبّت الهیه گردد و رائحه طیبه روحانیه به اطراف و اکناف عالم منتشر نماید. من باین منظور به اینجا آمده ام.... برای شما دعا می کنم که مظهر عشق و محبت جمال مبارك باشید و هر یك مانند شعله ای فروزان انوار مواهب حضرت بهاءالله را بر سرتاسرجهان انتشار دهید واین نهایت آمال و آرزوی من است." ترجمه

نقل از اولین خطابه مبارك بعد از ظهر یوم اول ورود به آمریکا،آپریل ۱۹۱۲ نیویورك منزل جناب Kinney با حضور صدها نفر از یاران الهی که برای زیارت هیکل اطهر مشرف بودند.(۱)،

بمناسبت یکصدمین سال غروب شمس جمال اقدس ابهی از صفحه غبرا عظیم ترین کنگره جهانی بهائی در مدینه میثاق در سال مقدس ۱۹۹۲ منعقد خواهد شد.

بدون شبهه یاران رحمانی در آن انجمن نورانی انوار هدایت "قمرسماء این شریعت مقدس" را که از افق اعلی طلوع نمود و اشراقات روحانیه اش از طریق معهد اعلی همچنان ساطع و لامع است بچشم سر و سرّ ملاحظه نموده و به اسرار این بیان مرکز میثاق پس از گذشتن یکصد سال از آن "مصیبت کبری" خطاب به جناب ابوالفضائل پی خواهند برد قوله الاعلی:

"... ولکن انوار شمس حقیقت را افولی نه و امواج بحر اعظم را سکونی و کمونی نیست. فیوضات ملکوت ابهی مستمر است و تجلیات جبروت اعلی مترادف، ابر نیسان عنایت فائض است و شریان محبت الله در جسد امکان نابض، تأئید از رفیق ابهی متتابع است و توفیق از حضرت کبریا متواتر، اگر آن آفتاب انوار از افق ادنی که افق امکان است غائب است از افق اعلی طالع و لائح..."
(نقل از مجله نجم باختر جلد چهارم شماره، نوزدهم.)

با نزدیك شدن چنان کنگره مجلل تاریخی مروری اجمالی بر تاریخچه شهر نیویورك و مطالعه نکاتی از سفر پر ثمر طلعت میثاق به امریکا که از کران تا کرانه بقدوم مبارك مفتخر و متباهی شده است بعنوان یاد آوری خالی از فایده نخواهد بود.

۱ - شهر نیویورك

نیویورك بنام "رئیس شهرها" در آمریکا معروف است. دارای ۳۳۰ مایل مربع مساحت و شامل پنج بخش عمده است Manhatan-Bronk- Brooklyn- Quenns- Richmond. مانهاتن جزیره ای باریك و طویل است که با شبکه عظیمی از پل ها و تونلها به سایر بخش ها مرتبط میشود و در حقیقت قلب اقتصاد و فرهنگ شهر نیویورك محسوب میشود.

در چهار ماه می ۱۶۲۶ Peter Mirrit از امستردام به مانهاتن وارد شد و با معاوضه

کالاهائی به بهای ۲٤ دلار این جزیره را از سرخ پوستان بومی خریداری نمود و آنرا به صورت بزرگترین شهر ایالت در آورد و بنام New Amesterdam (آمستردام نو)تسمیه نمود.

در سال۱٦٦٤ انگلیس ها موفق به تصاحب این شهر شدند و بافتخارDuke of York آنرا نیویورك نامیدند.

جمعیت نیویورك در سال ۱٦٤۸ هزار نفر بود و بعلت هجوم مهاجرین که اکثراً ایطالیائی - آلمانی- روسی- لهستانی-ایرلندی و از جزایر دریای کارائیب بودند در سال ۱۹۰۰ به قریب سه میلیون نفر بالغ شد. در مجله نجم باختر شماره ۲ مورخه ۹ آپریل ۱۹۱۱ بقلم مدیر آن جریده چنین درج شده است: جمعیت شهر نیویورك بر حسب سرشماری چند ماه گذشته به نه کرور و دویست و شصت و شش هزارو هشتصد وهشتاد و سه نفر رسیده ودر بزرگی و نظام ادارات و قشنگی عمارات و ظرافت خیابانها یکی از اول شهرهای جهان محسوب است.

نیویورك متجاوز از ۱٦۰۰ کلیسا دارد. در بروکلین به تنهائی ٦۰۰ کلیسا بنا شده است و بنام شهر کلیساها معروف است. قریب یکصد پارك عمومی با اشجار خود در تصفیه هوای این شهر پر ازدحام که جمعیتش حالیه متجاوز از ۷/٥ میلیون نفر است نقش عمده ای ایفا میکنند.

مجسمه آزادی بارتفاع ۱٥۲ پا از مس ساخته شده و از طرف فرانسه بمناسبت یکصدمین سال اتحاد و آزادی آمریکا در این جزیره مستقر شده است.

نیویورك غنی ترین بندر امریکا و بزرگترین مرکز تجاری و اقتصادی عالم است.(۲)

۲ - مقدمات مسافرت مرکز عهد و میثاق الهی به آمریکا

از سال ۱۹۰۹ میلادی پس از اعلام مشروطیت در عثمانی و آزادی هیکل اکرم ازسجن اعظم احباء امریکا طی عرایض متعددی پی در پی رجای مسافرت مبارك مینمودند. حضرت مولی الوری قبول این دعوت ها را موکول بر اتحاد و اتفاق یاران آنسامان میفرمودند از جمله در یکی از الواح میفرمایند قوله العزیز: "حال از یاران امریك و اماء رحمان مکاتیب متعدده میرسد و جمیع خواهش سفر عبدالبهاء به امریکا نمایند و نهایت اصرار و الحاح میفرمایند ولی با وجود اختلاف یاران و عدم اتحاد اماء رحمان چگونه عبدالبهاء بآن صفحات شتابد آیا این ممکن است لا والله."(۳) ایضاً در لوح دیگر میفرمایند: "در خصوص اشتیاق بهائیان امریك بحضور عبدالبهاء مرقوم نموده بودید انشاءالله همچنانکه مرقوم نموده بودید اگر اتحاد و اتفاق تام بین احباب حاصل شود شاید تقدیر موافق تدبیر گردد."(٤)

احباء امریکا متفقاً عریضه ای مفصل که حاوی "نوشته و امضاء" فرد فرد آنها بود تقدیم نمودند و هم چنین رؤسای مجامع و کنائس که از این مسئلت بهائیان آگاه شدند آنها نیز طی دعوت نامه های عدیده ای هیکل انور را به کنگره های صلح و مجامع اخوت و اتحاد دعوت نمودند.

بالاخره میقات مقرر فرا رسید و "بشارت قبول این مسافرت از فم اطهر صادر گردید و این نوید، روحی جدید به آن هیاکل مشتاق دمید و چون عزم مبارك بر حرکت و مسافرت جزم شد مکرر میفرمودند که این سفر طولانی است و جسم من ضعیف، بیش از دو هفته باید سفر دریا نمائیم مشکل است بنیه من تحمل نماید ولی چون در سبیل نشر نفحات الله است لهذا متوکلاً علی الله و منقطعاً عماسوا،حرکت نمائیم..."(٥)

جمعی از احباء پیشنهاد مسافرت هیکل مبارك را تا حدود بریطانیا و از آن سرزمین با کشتی تیتانیك که جدیداً ساخته شده بود و پنج روزه به نیویورك میرسید عرض کردند. هیکل انور مکثی نموده و فرمودند: "خیر یکسر میرویم و توکل برعون و صون جمال مبارك می کنیم او حافظ حقیقی و حارس معنوی است."(٦)

تاریخ حرکت منادی ملکوت ابهی بصوب امریکا در این لوح مبارك در سال ۱۹۱۲ میلادی مصرّح

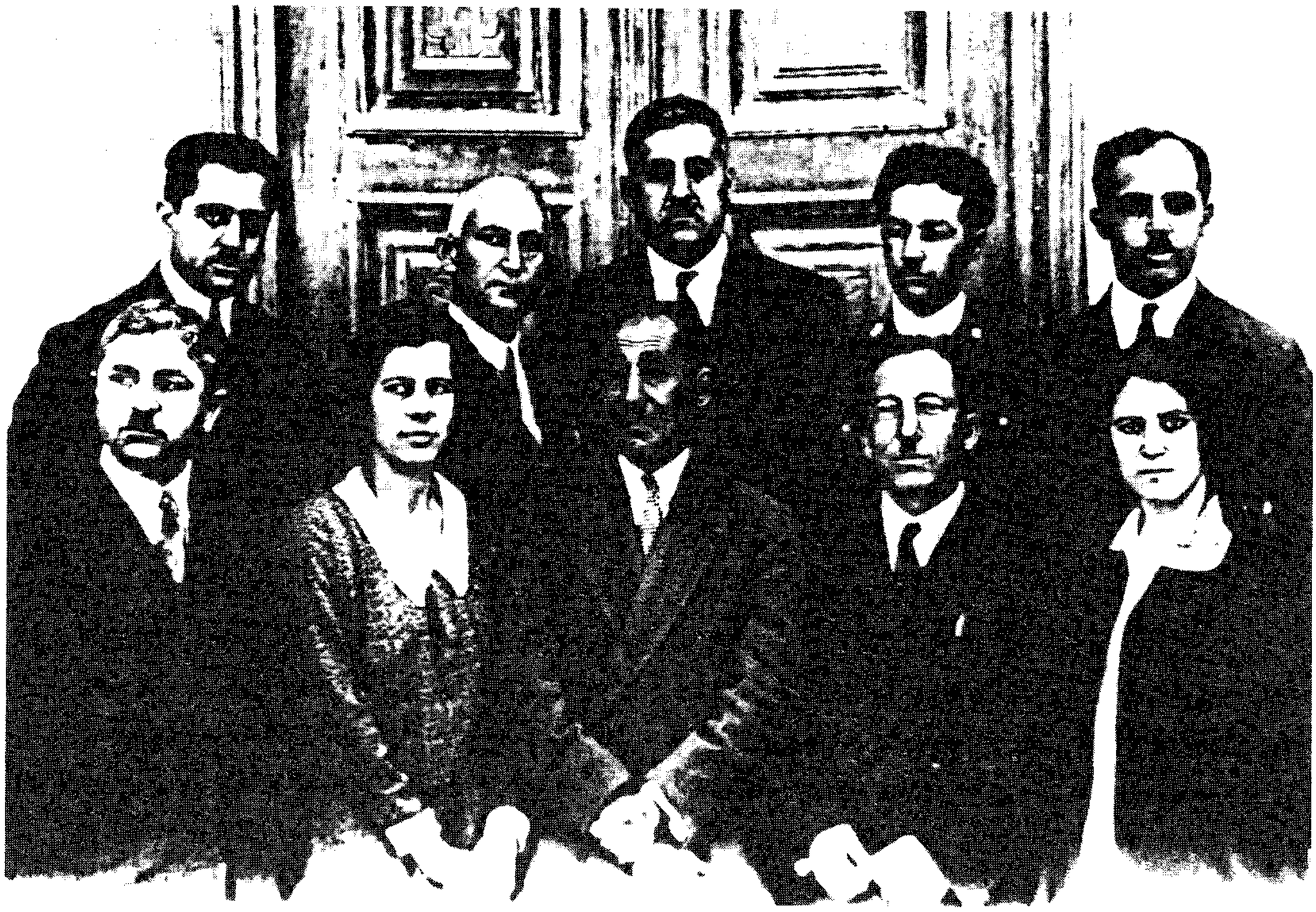

مرکز میثاق الهی در میان جمعی از احبای امریکا.

است قوله الشریف: "نیویورك جولیت تامپسون، هوالله ای منجذب محبت الله نامه تو رسید. قضیه تعویق آمدن به امریکا بی اساس است من عازم امریکم. در بیست و پنجم ماه مارچ سوار واپور سدریك میشوم و به ناپولی رسم. چند روزی در ناپولی اقامت کنم بعد نیویورك آیم. هر روایت دیگر بشنوید اساس ندارد..." (۷)

۳ - ورود حضرت غصن الله الاعظم به نیویورك

هیکل مبارك صبح یوم ۱۱ آپریل ۱۹۱۲ با کشتی بخار سدریك به بندر نیویورك تشریف فرما شدند و سرزمین آمریکا به اثر اقدام مطهر، مبارك شد.

خبرنگار آسوشیتدپرس Associated Press آقای وندل فیلیپس واج با قایق به استقبال مبارك شتافت و باتفاق سایر خبرنگاران بزیارت قدوهء اهل بهاء نائل آمد واز جمله چنین گزارش نمود: "....حضرت عبدالبهاء در عرشه بالای کشتی با قامتی رسا ملبّس به ردا و لبّادهء بلند شرقی که بر اثر نسیم دریا موج میزد ایستاده بودند. چهره مبارك در زمانی که خبرنگاران را پذیرفتند بشاش بود. در حین مصاحبه کاملاً سرحال و با تحرّك بودند و سرشار از هوش و ذکاء بنظر میرسیدند. در هنگام مکالمه سر مبارك با کمال وقار بر روی شانه های پهن حضرتش استقرار و کمی بعقب متمایل بود و موهای نقره فام از زیر عمامه سفید و تمیزشان در تموّج. چشمان درشت و نافذ در زیر ابروان پر پشت و همچنین پیشانی وسیع و شقیقه های گسترده مبارکش هر بیننده ای را بی اختیار مجذوب میکرد. این کلمات قادر نیستند این فیلسوف و دانشمندی را که از شرق آمده است توصیف و تصویر نمایند..."(۸)

زمانی که کشتی به نزدیکی مجسمه آزادی رسید

حضرت غصن الله الاعظم بازوان مبارك را گشودند و فرمودند: "حالا نشانه و علامت بدیع جهانی دیگری برای آزادی وجود دارد. پس از ٤٠ سال مسجونیت میتوانم بگویم که آزادی به جاو مکان نیست.... اگر انسان بتواند از زندان نفس خلاص شود در حقیقت به آزادی و حرّیت واقعی رسیده است..." ترجمه(۹)

سپس مجدداً رو به مجسمه آزادی فرموده و اظهار داشتند: "سابقاً میگفتند حب الوطن من الایمان و حالا میگویند لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم."

یکی از خبرنگاران از مقاصد مبارك سؤال نمود جواب عنایت فرمودند: " مقصد ما صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است سفری در پاریس و لندن بودم حال برای ملاقات طالبان صلح به آمریکا آمده ام امیدم چنان است که انجمن های صلح امریکا سبقت جویند."(۱۰)

خبرنگار دیگری عرض نمود بهائی یعنی چه؟ فرمودند: "بهائی کسی است که عالم را دوست داشته و عاشق و خدمتگزار بشریت باشد و برای صلح جهانی و برادری تلاش نماید."(۱۱)

در سرمقاله جلد سوم شماره سوّم مجله نجم باختر چنین آمده است:

"حضرت عبدالبهاء با جلالی روحانی وعظمتی آسمانی و وجهی نورانی و قوتی ملکوتی از کشتی پائین آمده زمین امریك را بقدوم مطهر، مبارك فرمودند و گوئی از همان وقت تاریخ روحانی امریك ابتدا گردید."

٤ - مبشر میثاق

روز ۱۹ ماه جون ۱۹۱۲ جولیت تامپسون در حالیکه لواکتسینگر در کنارش جالس بود ترسیم و نقاشی شمایل مبارك رابه اتمام رسانید. دراین لحظه مشارالیها مکاشفات روحانیه خود و لوا را از مشاهدهء "صورت و مثال الهی" که به وجهی "مشتعل و نورانی" برابر دیدگان حیرت زدهء آنها کشف نقاب و خرق حجاب فرموده بود باکلماتی ابراز داشته است که هر فرد بهائی باید به خاطرات این بانوی مؤمن مراجعه نماید تا با قلب منیر خود احساسات رقیقه روحانیه او را ادراك نماید.

در چنین حالی که مقام "سر الهی" بر این دو نفس مقدس متجلّی شده بود هیکل انوار لوا را مخاطب فرمودند: "لوا من تو را مبشّر عهد و میثاق منصوب میکنم و خود من "مرکز عهد و میثاق الهی" هستم که از طرف حضرت بهاءالله برگزیده شده ام و احدی قادر بر انکار کلام او نیست. این عهد و وصیت جمال مبارك است و شما آنرا درکتاب مقدس زیارت خواهید کرد. برو بیاران رحمانی اعلام کن که "اینك عهد و میثاق الهی درمیان شما است." ترجمه (۱۲)

٥ - مدینه میثاق

یوم ۱۹ ماه جون ۱۹۱۲ یك روز تاریخی برای شهر نیویورك محسوب میشود. لوا کتیسنگر پس از دریافت این مأموریت مقدس گریان و بریان از حضور مرکز عهد الله رجا می نماید "مرا خلقی جدید فرما تا قادر بر انجام این مأموریت گردم" ترجمه(۱۳) مشارالیها به طبقه پائین عمارت که یاران الهی مجتمع بودند شتافت و این بشارت عظمی را به آنان ابلاغ نمود.

سپس نجم دری میثاق این اجتماع تاریخی را به وجود اقدس منوّر فرمودند. ابتدا لوح غصن به لسان انگلیسی زیارت شد و انگاه حضرت من طاف حوله الاسماء بنهایت قدرت و صلابت عهد و میثاق الهی را تشریح فرمودند و موقعیت مقدس خود را بعنوان "مرکز عهد و پیمان الهی" اعلام فرموده و شهر نیویورك را مدینه میثاق تسمیه فرمودند." ترجمه(١٤)

لوح مبارك غصن در ادرنه از قلم اعلی بافتخار جناب میرزا علی رضا مستوفی ملقب به مستشارالدوله از اهالی خراسان نازل شده است(۱٥).

در این لوح مقدس قلم اعلی حضرت عبدالبهاء را به نعوت و اوصاف واسماء مبارکی مخصص فرموده است که بفرموده حضرت ولی امرالله "نسل حاضر هرگز نمی تواند کما ینبغی و یلیق به اهمیت و

معنی آن پی برد." (۱۶) مع الوصف حضرت عبدالبهاء در تفسیر لوح غصن چنین می فرمایند: "معنی حقیقی و مفهوم واقعی و رمز اصلی این آیات و کلمات عبودیت محضه و رقیّت بحته و محویّت صرفه این عبد در آستان جمال ابهی است. این تاج وهاج و اکلیل جلیل و منقبت عظمای من در ملکوت آسمان و زمین است و باین مقام در بین ملاء مقربین مفتخر این است بیان من." (۱۷)

۶ - کانونشن میثاق

انجمنی که در رضوان ۱۹۱۹ در هتل Mc Alpin در شهر نیویورك منعقد گردید حسب الامر مبارك بنام "کانونشن میثاق" تسمیه شد. زیرا در این مجمع روحانی "فرامین تبلیغی" یاران الهی ابلاغ شد.

حضرت ولی امرالله در این مورد میفرمایند قوله العزیز : "فرمان الهی خطاب به فارسان مضمار خدمت در آمریك رسماً ابلاغ گشت و یرلیغ تبلیغ که بصورت الواح مخصوصه از قلم میثاق خطاب به جمله مؤمنین و مؤمنات آن دیار صادر در انجمن روحانیان در عید رضوان در آن سامان تلاوت گردید واعلام شد." (۱۸)

این الواح مبارکه در سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ نازل شده است و در حقیقت منشور تبلیغی حضرت عبدالبهاء بشمار میرود و از طرف حضرت شوقی ربانی بنام "فرمان الهی" و "نقشه ملکوتی" توصیف شده است.

بیت العدل اعظم الهی در باره این نقشه ملکوتی میفرمایند: "بیقین مبین باید دانست که جهاد دهساله حضرت ولی امرالله و نقشه ۹ ساله کنونی و سایر نقشه های آینده که در عهود متتابعه عصر تکوین تدوین گردد کل بمنزله مراحل تنفیذیه فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء است که در ۱۴ لوح از الواح مبارکه اش خطاب به یاران امریك صادر فرمود..." (۱۹)

مثل اعلای آئین الهی در لوح هفتم از این الواح مقدسه مسافرت مبارکشان را به غرب چنین توصیف فرموده اند قوله الاعلی : "ملاحظه نمودید که عبدالبهاء در نهایت ضعف و ناتوانی در حالیکه بیمار بود ابداً طاقت حرکت نداشت با وجود این به اکثر ممالك اروپ و امریك شتافت و در کنائس و محافل و مجامع به ترویج تعالیم الهی پرداخت و نداء بظهور ملکوت ابهی نمود و ملاحظه نمودید که تأئیدات جمال مبارك چگونه احاطه نمود. از راحت و آسایش جسمانی و تن پروری و آلودگی باین دنیای فانی چه نتیجه ای حاصل.واضح است که انسان عاقبت خائب و خاسر گردد."

۷ - خطابه وداعیه حمّامه وفا قدوهء اهل بهاء در کشتی سلتیك بندر نیویورك ۵ دسامبر ۱۹۱۲

"هوالله این روز آخر و ملاقات آخری است حالا دیگر سوار واپور شده میروم و این آخرین وصیت من بشما است... امیدوارم موفق بر عمل به تعالیم شوید تا چون شمع به عالم انسانی روشنی بخشید و مانند روح جسم امکان را بحرکت آرید این است عزت ابدی این است صورت و مثال الهی که شما را به آن وصیت می نمایم و امید چنان که به آن موفق شوید." (۲۰)

منابع :

۱ - کتاب Some Early Baha'is of West و مجله نجم باختر جلد سوم شماره ۱۰.
۲ - دائره المعارف American International, Webster
۳ - ۴ - مجله نجم باختر جلد دوم شماره ۳.
۵ - ۶ - بدایع الآثار جلد اول.
۷ - ۸ - ۹ - مجله نجم باختر جلد سوم شماره های ۲ و ۳.
۱۰ - بدایع الآثار جلد اول.
۱۱ - مجله نجم باختر جلد سوم شمارهء سوم.
۱۲ - ۱۳ - ۱۴ -کتاب دویست و سی و نه روز سفر حضرت عبدالبهاء در امریکا نوشته جناب Allan Word
۱۵ - جلد دوم کتاب The Revelation of Baha'u'llah تألیف جناب ادیب طاهر زاده.
۱۶ - ۱۷ - نقل از کتاب دور بهائی از آثار مبارك حضرت ولی امرالله (ترجمه).
۱۸ - توقیع مبارك ۱۰۱ حضرت ولی مقدس امرالله.
۱۹ - پیام مبارك رضوان ۱۲۸ بدیع بیت العدل اعظم الهی.
۲۰ - مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء.

شعر

عهد و میثاق

علی توانگر

کـــر بهر موئی زبـــان باشد هزار
نیست قادر مدحت پـــــروردگار

رحمت او هست بیـــــرون از قیاس
نعمت او هست افـــــزون از شمار

پیشتر از آنکه بگشائـــیم چشم
پای بگذاریـــــــم در این روزگار

چشـــــــــمه شیر منیری آفرید
مهـــربان مادر پدر خویش و تبار

نـــــیز بس پیغمبران مبعوث کرد
تا بـــــشر ازجهل گردد برکنار

پنـــــد آنها بود از میثاق و عهد
صـــــلح و الفت پیروی از کردگار

گفـــــت او از نو فرستد رهنما
مظـــــــهر حق آیه و قول و قرار

طـــــبق وعده کرد بر عهدش وفا
چـــون طلوع شمس هنگام نهار

بـــــــا علامات مدوّن در کتـب
بیّنات آیـــــات کلّ کامل عیـار

عهد دیگر مـــظهر حقّ زد رقـم
کرد روشـــن مرجع و تکلیف کـار

مرکز پیمـــان صریحاً گشت ذکـر
در کتـــاب اقدس و عهدی دویـار

نیست ابهـــامی و تردیـدی درآن
حجّت از فصحا(۱) و نـورا آشکار

مانع این میثـــاق شد از انشقاق
در شریعت کرد وحدت پـــایـدار

گر ز روی صـــــدق او را مؤمـنی
فضـــل و تائیدات داری انتـظار

تابع او باش با اخـــلاص و عشق
ناقـضین ونـــاکصین(۲) را واگذار

نیست جز خدمت در این درگه قبول
نیسـت جـــز تقوی مدار افتخار

آنـــــکه را حق مرکز میثاق خواند
پیـــروی کـــــن عذر بیهوده میار

چون بلی گفـــتی تو در یوم اَلَست
بایـــدت البتـــــه بر عهد استوار

بهر استـــمرار این میثـــاق نغز
گشـــت بیت العـــدل اعظم برقرار

مـــرکز عهـــــد الهی اینزمان
معهـــد اعلی بـــود بالاختصار

ملهم از حق است و فرمانش مطاع
آنـــــکه فرمان برد باشد رستگار

هرکـــه نقض عهد کرد او بیوفاست
خاسر است و نادمست و شرمسار

شـــد مسلم بر توانگر در جهان
جـــز رضای حـــقّ ندارد اعتبار

ژانویه ۱۹۹۰

---

۱ – فصحا: منظور عربی و نورا فارسی است.

۲ – بعقب بازگشت کنندگان.

شرح حال

ایادی امرالله جناب شعاع الله علائی

۱۸۸۹-۱۹۸٤

در فوریه ۱۹۵۲ حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه بانتصاب دومین گروه ایادی امرالهی مبادرت فرمودند که از آن جمله جنابان شعاع الله علائی و موسی بنانی و ذکر الله خادم در صف مقدم یاران موطن جمال اقدس ابهی بودند. در این شماره پیام بهائی صفحاتی را بیاد نفس نفیس جناب علائی تخصیص می دهد که حیاتشان سرمشقی برای سالکان سبیل مقصود تواند بود.

درتاریخ هیجدم نوامبر ۱۹۸٤ بیت العدل اعظم الهی صعود ایادی امرالله جناب شعاع الله علائی را به عالم بهائی اعلام فرمودند در همین پیام از جوامع بهائی سراسر جهان خواسته شده بود که جلسات تذکری باعزاز آن متصاعد الی الله تشکیل دهند نطق زیرتوسط جناب دکتر مهدی ورقا در جلسهء تذکر مورخ ٦ ژانویه در جوار مشرق الاذکار آلمان ایراد گردید که اینك ترجمهء آن بنظر خوانندگان عزیز میرسد.

در ابتدای سخن مایلم که از پدر جناب علائی یعنی آقا سید محمد یاد کنم که بنیاد گذار خاندان علائی بود و با جرات و شهامت و پشتکار خود در امر حضرت احدیت، سرنوشت خانواده خود را دگرگون کرد. در حالی که اجداد آن بزرگوار مسلمانان بسیار متعصب بودند از اولاد ایشان نفوسی مؤمن و مخلص و مستقیم و خدامی فداکار برای امر حضرت پروردگار بیرون آمدند.

آقا سید محمد خود در خانواده ای روحانی متولد شده بود و نیاکان او در لاهیجان می زیستند که در شمال ایران واقع است. وی تا سن ۱۹ سالگی به تحصیل علوم دینی اهتمام کرد تا در نتیجه بتواند بمقام اجتهاد دست یابد. از جمله اصولی که در خانه و خانواده ایشان حاکم بود احتراز از معاشرت و مخالطت بابیان و بهائیان بود معذلك تقدیر امر دیگری را تدبیر کرد ودر طی تحقیقات خویش آقا سید محمد با تعالیم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی آشنا شد که در هر دو شمار مبشرین حضرت باب محسوبند. این آشنائی باب شناسائی با افراد دیگر دارای افق های فکری تازه ای را بروی مفتوح کرد و بدین گونه بود که آقا سید محمد با جناب عندلیب آشنا شد که شاعری بلند پایه و دانشمندی گرانمایه بود. ملاقات با جناب عندلیب و بحث ممتد و مفصل در طی یك سال تمام دیدار، بدان منتهی شد که سید محمد حقیقت آئین بهائی را تصدیق کند. همین که خانواده و مردم لاهیجان از ایمان وی بامر جدید آگاه شدند کمر عداوات او را بمیان بستند و امتحانات و افتتانات عظیم که حتی موجب تهدید زندگانی او بود در میان آمد. آقا سید محمد را از جامعه مسلمان طرد کردند و روحانیون حکم بر قتل او دادند لذا سید مذکور ناچار بترك وطن مألوف شد و به طهران روی آورد و در آن جا تماس و ارتباط خود را با اهل بهاء ادامه داد. در طهران دست از مطالعات دینی بر داشت و به توصیه جناب شیخ کاظم سمندر به تحصیل علم پزشکی مشغول شد. در طول دوران اقامت در طهران و بهنگام دانشجوئی بسیار بدشواری امرار معاش میکرد و معذلك موفق شد که امتحانات پزشکی را در مدرسهء دارالفنون آن زمان با موفقیت بارزی بگذراند و حتی بدریافت یك مدال طلا از دست سلطان زمان ناصر الدین شاه توفیق یابد.

بزودی لقب افتخاری ناظم الحکماء به آقا سید محمد اعطاء شد و بریاست پزشکی قشون مخصوص سلطنتی نائل گشت و در زمره شخصیت های معتبر و محترم پایتخت درآمد. وی نام خانوادگی علائی را برای خود برگزید که ریشه آن کلمه علا بمعنی بلندی است. ناظم الحکماء خانواده

شرح حال

ایادی امرالله جناب شعاع الله علائی

۱۸۸۹ - ۱۹۸٤

در فوریه ۱۹۵۲ حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه بانتصاب دومین گروه ایادی امرالهی مبادرت فرمودند که از آن جمله جنابان شعاع الله علائی و موسی بنانی و ذکر الله خادم در صف مقدم یاران موطن جمال اقدس ابهی بودند. در این شماره پیام بهائی صفحاتی را بیاد نفس نفیس جناب علائی تخصیص می دهد که حیاتشان سرمشقی برای سالکان سبیل مقصود تواند بود.

درتاریخ هیجدم نوامبر ۱۹۸٤ بیت العدل اعظم الهی صعود ایادی امرالله جناب شعاع الله علائی را به عالم بهائی اعلام فرمودند در همین پیام از جوامع بهائی سراسر جهان خواسته شده بود که جلسات تذکری باعزاز آن متصاعد الی الله تشکیل دهند نطق زیرتوسط جناب دکتر مهدی ورقا در جلسهء تذکر مورخ ٦ ژانویه در جوار مشرق الاذکار آلمان ایراد گردید که اینك ترجمهء آن بنظر خوانندگان عزیز میرسد.

در ابتدای سخن مایلم که از پدر جناب علائی یعنی آقا سید محمد یاد کنم که بنیاد گذار خاندان علائی بود و با جرات و شهامت و پشتکار خود در امر حضرت احدیت، سرنوشت خانواده خود را دگرگون کرد. در حالی که اجداد آن بزرگوار مسلمانان بسیار متعصب بودند از اولاد ایشان نفوسی مؤمن و مخلص و مستقیم و خدامی فداکار برای امر حضرت پروردگار بیرون آمدند.

آقا سید محمد خود در خانواده ای روحانی متولد شده بود و نیاکان او در لاهیجان می زیستند که در شمال ایران واقع است. وی تا سن ۱۹ سالگی به تحصیل علوم دینی اهتمام کرد تا در نتیجه بتواند بمقام اجتهاد دست یابد. از جمله اصولی که در خانه و خانواده ایشان حاکم بود احتراز از معاشرت و مخالطت بابیان و بهائیان بود معذلك تقدیر امر دیگری را تدبیر کرد ودر طی تحقیقات خویش آقا سید محمد با تعالیم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی آشنا شد که در هر دو شمار مبشرین حضرت باب محسوبند. این آشنائی باب شناسائی با افراد دیگر دارای افق های فکری تازه ای را بروی مفتوح کرد و بدین گونه بود که آقا سید محمد با جناب عندلیب آشنا شد که شاعری بلند پایه و دانشمندی گرانمایه بود. ملاقات با جناب عندلیب و بحث ممتد و مفصل در طی یك سال تمام دیدار، بدان منتهی شد که سید محمد حقیقت آئین بهائی را تصدیق کند. همین که خانواده و مردم لاهیجان از ایمان وی بامر جدید آگاه شدند کمر عداوات او را بمیان بستند و امتحانات و افتتانات عظیم که حتی موجب تهدید زندگانی او بود در میان آمد. آقا سید محمد را از جامعه مسلمان طرد کردند و روحانیون حکم بر قتل او دادند لذا سید مذکور ناچار بترك وطن مألوف شد و به طهران روی آورد و در آن جا تماس و ارتباط خود را با اهل بهاء ادامه داد. در طهران دست از مطالعات دینی بر داشت و به توصیه جناب شیخ کاظم سمندر به تحصیل علم پزشکی مشغول شد. در طول دوران اقامت در طهران و بهنگام دانشجوئی بسیار بدشواری امرار معاش میکرد و معذلك موفق شد که امتحانات پزشکی را در مدرسهء دارالفنون آن زمان با موفقیت بارزی بگذراند و حتی بدریافت یك مدال طلا از دست سلطان زمان ناصر الدین شاه توفیق یابد.

بزودی لقب افتخاری ناظم الحکماء به آقا سید محمد اعطاء شد و بریاست پزشکی قشون مخصوص سلطنتی نائل گشت و در زمره شخصیت های معتبر و محترم پایتخت درآمد. وی نام خانوادگی علائی را برای خود برگزید که ریشه آن کلمه علا بمعنی بلندی است. ناظم الحکماء خانواده

وسیعی را تاسیس کرد و از سه ازدواج خود صاحب ۱۲ فرزند گردید.

جناب ناظم الحکماء از دومین ازدواج خود چند فرزند داشت که ارشد ایشان جناب شعاع الله علائی بود که در تاریخ نهم نوامبر ۱۸۸۹ در شهر طهران ولادت یافت و اخیراً قبل از رسیدن به سن ۹۵ سالگی دارفانی را بدرود گفت. این فرزند ارجمند نخست به مدرسه تربیت رفت و بعد برای تحصیل ریاضیات و حسابداری به مدرسه دارالفنون که ذکر آن قبلاً رفت روی آورد. در پایان تحصیلات خود به خدمت دولت درآمد و در طی دوران طولانی خدمتش مشاغل مهم و والائی را احراز کرد. چندی بازرس رسمی مالیاتی بود و مدتی مدیریت اداره ای را دروزارت مالیه عهده دار شد ودر پلیس و ژاندارمری و دستگاه نظامی مشاغل مشابهی را بدست آورد و در طی چهارده سال آخر خدمات دولتیش به مقام سرلشکری در وزارت دفاع ملی (جنگ) منصوب گردید و بالاخره در سال ۱۹٤٤ بازنشسته شد.

هنوز در سن ۹ سالگی بود که لوحی از یراعه مبارك حضرت عبدالبها جل ثنائه بافتخار او صادر شد که طی آن با اشاره به نام ایشان که شعاع الله بوده چنین فرموده اند:

"ای شعله محبت الله- شعاع را سطوعی باید و آفتاب را طلوعی و بدر را نوری و نجم را ظهوری. پس تو که شعاعی از خدا بخواه که نوری بیفشانی و پرتوی اندازی و جهانی افروزی و عالمی بنار محبت الله بسوزی و امیدوارم که بفضل حق چنین گردی و اعظم از این شوی و البهاء علیك ع ع"

این لوح مبارك فی الحقیه عامل قطعی احیای روحانی این کودك بود و او را برای خدمات عظیم آینده اش آماده نمود.

بهنگام جوانی جناب شعاع علائی عضو کمیته ها و لجنه های مختلف بود و از جلمه در لجنه مخصوص اداره مدرسه تربیت عضویت داشت.

در سن ۲٤ سالگی به عضویت محفل روحانی محلی طهران انتخاب شد و این عضویت و خدمت یاران مدت سی سال ادامه یافت. بمجرد تشکیل محفل روحانی مرکزی و بعد محفل ملی ایران وی نیز به عضویت آن برگزیده شد و در سمت های مختلف رئیس محفل یا امین صندوق ایفای وظیفه نمود. برای آن که عظمت و کثرت وظائف و خدمات دو محفل مذکور معلوم شود کافی است مذکور گردد که هر یك از آن دو محفل در هر هفته سه اجلاسیه داشتند.

در سال ۱۹۲۳ جناب علائی بمأموریت دولتی به اروپا رفت و چون به بیروت رسید می بایست منتظر کشتی مسافری بماند لذا از فرصت استفاده کرد و به حیفا رفت و این مقارن با زمانی بود که حضرت ولی امرالله درارض اقدس تشریف نداشتند. معذلك جناب علائی به افتخار تشرف به محضر حضرت ورقه علیا نائل شد.دومین اقامت او در ارض اقدس در رضوان ۱۹۵۲ بود که به حضور حضرت ولی امرالله رسید و حضرتش از ایشان خواستند که بهنگام مراجعت از جامعه های بهائی در اسکندریه – قاهره- خرطوم و بغداد بازدید بعمل آرد و اخبار و بشارات جهان بهائی را با یاران آن صفحات در میان نهد.

دوستان عزیز به خطر دارند که متعدد است الواح الهی که در آن اهل بها به تقوی و امانت و درستی و وفاداری در خدمت و اخلاص و ایثار تشویق و ترغیب شده اند. فراوانند الواح جمال قدم و مکاتیب مرکز عهد اقوم و توقیعات حضرت ولی امر اعظم که در طی آن از احبای الهی خواسته شده است که در خدمت مقامات دولتی اصل صداقت مطلق و صحت عمل کامل را ملحوظ دارند و رعایائی امین و شریف و شایسته اعتماد وثقه برای حکومات متبوع خود باشند. این ارشادات و هدایات را در الواح مبارکه ای چون بشارات، اشراقات، اصل کل الخیر و لوح عهدی و در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و در بسیاری از توقیعات و پیام های حضرت شوقی افندی باز می توان یافت. در رساله مدنیّه حضرت عبدالبهاء نصائح و مواعظی مخصوص وزراء و وکلاء ملت و کارمندان دولت و سایر اهل منصب و در مورد نحوه سلوك و رفتار در حیات شغلی آنان مرحمت فرموده اند و بخصوص در این مورد تأکید فرموده اند که عمال دولت باید به حقوق متعارف خویش کفایت کنند و پای از دائره

هیئت مدیره مدارس تربیت طهران سال ۸۸ بدیع. سوای جناب علائی (ردیف جلو دست چپ نفر اول) در این عکس نفوس ارجمند دیگری چون جناب عزیز الله مصباح - میس شارپ-خانم روح انگیز فتح اعظم و جناب اشرف اشرف هم دیده می شوند.

امانت فرا ننهند.

هرگاه بخواهیم نفوسی را که عامل باین ارشادات وهدایات بودند در میان احباء بر شمریم باید در صف اول آنان نام جناب شعاع الله علائی را قرار دهیم. جناب علائی از نفوسی بود که عمل و سلوك خود را کل به تعالیم الهی تطبیق داده بود. نباید تصور کرد که سر موفقیت و درخشش جناب علائی در آگاهی وسیع ایشان باسرار امور مالی بوده زیرا بی گمان در ایران بسیار نفوس بودند که امور مالی و اقتصادی را در اعظم دانشگاههای غرب تحصیل کرده و بمرتبه متخصصان عالیقدر رسیده بودند. ولکن آن چه در جناب علائی وجه امتیاز بود درستی و صحت عمل استثنائی و صداقت فوق العاده ایشان در خدمت بود که جلب توجه حکومت را کرد و سبب ایجاد اعتماد نسبت به ایشان در شخص رئیس مملکت شد. جناب علائی با چنین صفاتی بود که مقامی والا را احراز کرد و مورد احترام و تکریم همگانی واقع گشت.

جناب شعاع الله علائی از نفوذ و قدرت خود در دستگاه دولت برای حفظ و مدافعه یاران مظلوم استفاده می کرد و در این موارد بمراجع مربوط رجوع می نمود و با کمال صراحت با آنان مکالمه می کرد و اگر ضرورت می یافت احیانا از شدت کلام هم احتراز نمی نمود. وقتی در سنه ۱۹۲۶ در هنگام اغتشاشاتی که بر اثر دسائس و تحریکات علمای دینی در ایران بروز کرد، هشت نفر از بهائیان بدست ظالمان در جهرم کشته شدند جناب علائی شخصاً نامه اعتراضی را که محفل روحانی ملی خطاب به شاه مملکت نوشته بود (رضا شاه پهلوی) بدست نامبرده داد.

بسیار اتفاق افتاد که محفل ملی ایران عرائضی در مورد تضییقات احبا به عرض هیکل مبارك حضرت ولی امرالله رساند و در هر مورد حضرت ولی امرالله دستور فرمودند از علائی بخواهید که این امر را در دست گیرد.

در ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ جناب علائی به مقام ایادی امرالهی منصوب گردید و از آن زمان بود که خدمات ایشان در عرصه بین المللی آغاز شد. از فوریه تا

هیئت مدیره مدارس تربیت طهران سال ۸۸ بدیع. سوای جناب علائی (ردیف جلو دست چپ نفر اول) در این عکس نفوس ارجمند دیگری چون جناب عزیز الله مصباح - میس شارپ-خانم روح انگیز فتح اعظم و جناب اشرف اشرف هم دیده می شوند.

امانت فرا ننهند.

هرگاه بخواهیم نفوسی را که عامل باین ارشادات وهدایات بودند در میان احباء بر شمریم باید در صف اول آنان نام جناب شعاع الله علائی را قرار دهیم. جناب علائی از نفوسی بود که عمل و سلوك خود را کل به تعالیم الهی تطبیق داده بود. نباید تصوّر کرد که سر موفقیت و درخشش جناب علائی در آگاهی وسیع ایشان باسرار امور مالی بوده زیرا بی گمان در ایران بسیار نفوس بودند که امور مالی و اقتصادی را در اعظم دانشگاههای غرب تحصیل کرده و بمرتبه متخصصان عالیقدر رسیده بودند. ولکن آن چه در جناب علائی وجه امتیاز بود درستی و صحت عمل استثنائی و صداقت فوق العاده ایشان در خدمت بود که جلب توجه حکومت را کرد و سبب ایجاد اعتماد نسبت به ایشان در شخص رئیس مملکت شد. جناب علائی با چنین صفاتی بود که مقامی والا را احراز کرد و مورد احترام و تکریم همگانی واقع گشت.

جناب شعاع الله علائی از نفوذ و قدرت خود در دستگاه دولت برای حفظ و مدافعه یاران مظلوم استفاده می کرد و در این موارد بمراجع مربوط رجوع می نمود و با کمال صراحت با آنان مکالمه می کرد و اگر ضرورت می یافت احیانا از شدت کلام هم احتراز نمی نمود. وقتی در سنه ۱۹۲۶ در هنگام اغتشاشاتی که بر اثر دسائس و تحریکات علمای دینی در ایران بروز کرد، هشت نفر از بهائیان بدست ظالمان در جهرم کشته شدند جناب علائی شخصاً نامه اعتراضی را که محفل روحانی ملی خطاب به شاه مملکت نوشته بود (رضا شاه پهلوی) بدست نامبرده داد.

بسیار اتفاق افتاد که محفل ملی ایران عرائضی در مورد تضییقات احبا به عرض هیکل مبارك حضرت ولی امرالله رساند و در هر مورد حضرت ولی امرالله دستور فرمودند از علائی بخواهید که این امر را در دست گیرد.

در ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ جناب علائی به مقام ایادی امرالهی منصوب گردید و از آن زمان بود که خدمات ایشان در عرصه بین المللی آغاز شد. از فوریه تا

وسیعی را تاسیس کرد و از سه ازدواج خود صاحب ۱۲ فرزند گردید.

جناب ناظم الحکماء از دومین ازدواج خود چند فرزند داشت که ارشد ایشان جناب شعاع الله علائی بود که در تاریخ نهم نوامبر ۱۸۸۹ در شهر طهران ولادت یافت و اخیراً قبل از رسیدن به سن ۹۵ سالگی دارفانی را بدرود گفت. این فرزند ارجمند نخست به مدرسه تربیت رفت و بعد برای تحصیل ریاضیات و حسابداری به مدرسه دارالفنون که ذکر آن قبلاً رفت روی آورد. در پایان تحصیلات خود به خدمت دولت درآمد و در طی دوران طولانی خدمتش مشاغل مهم و والائی را احراز کرد. چندی بازرس رسمی مالیاتی بود و مدتی مدیریت اداره ای را دروزارت مالیه عهده دار شد ودر پلیس و ژاندارمری و دستگاه نظامی مشاغل مشابهی را بدست آورد و در طی چهارده سال آخر خدمات دولتیش به مقام سرلشکری در وزارت دفاع ملی (جنگ) منصوب گردید و بالاخره در سال ۱۹٤٤ بازنشسته شد.

هنوز در سن ۹ سالگی بود که لوحی از یراعه مبارك حضرت عبدالبها جل ثنائه بافتخار او صادر شد که طی آن با اشاره به نام ایشان که شعاع الله بوده چنین فرموده اند:

"ای شعله محبت الله- شعاع را سطوعی باید و آفتاب را طلوعی و بدر را نوری و نجم را ظهوری. پس تو که شعاعی از خدا بخواه که نوری بیفشانی و پرتوی اندازی و جهانی افروزی و عالمی بنار محبت الله بسوزی و امیدوارم که بفضل حق چنین کردی و اعظم از این شوی و البهاء علیك ع ع"

این لوح مبارك فی الحقیه عامل قطعی احیای روحانی این کودك بود و او را برای خدمات عظیم آینده اش آماده نمود.

بهنگام جوانی جناب شعاع علائی عضو کمیته ها و لجنه های مختلف بود و از جلمه در لجنه مخصوص اداره مدرسه تربیت عضویت داشت.

در سن ۲٤ سالگی به عضویت محفل روحانی محلی طهران انتخاب شد و این عضویت و خدمت یاران مدت سی سال ادامه یافت. بمجرد تشکیل محفل روحانی مرکزی و بعد محفل ملی ایران وی نیز به عضویت آن برگزیده شد و در سمت های مختلف رئیس محفل یا امین صندوق ایفای وظیفه نمود. برای آن که عظمت و کثرت وظائف و خدمات دو محفل مذکور معلوم شود کافی است مذکور گردد که هر یك از آن دو محفل در هر هفته سه اجلاسیه داشتند.

در سال ۱۹۲۳ جناب علائی بمأموریت دولتی به اروپا رفت و چون به بیروت رسید می بایست منتظر کشتی مسافری بماند لذا از فرصت استفاده کرد و به حیفا رفت و این مقارن با زمانی بود که حضرت ولی امرالله درارض اقدس تشریف نداشتند. معذلك جناب علائی به افتخار تشرف به محضر حضرت ورقه علیا نائل شد.دومین اقامت او در ارض اقدس در رضوان ۱۹۵۲ بود که به حضور حضرت ولی امرالله رسید و حضرتش از ایشان خواستند که بهنگام مراجعت از جامعه های بهائی در اسکندریه – قاهره- خرطوم و بغداد بازدید بعمل آرد و اخبار و بشارات جهان بهائی را با یاران آن صفحات در میان نهد.

دوستان عزیز به خطر دارند که متعدد است الواح الهی که در آن اهل بها به تقوی و امانت و درستی و وفاداری در خدمت و اخلاص و ایثار تشویق و ترغیب شده اند. فراوانند الواح جمال قدم و مکاتیب مرکز عهد اقوم و توقیعات حضرت ولی امر اعظم که در طی آن از احبای الهی خواسته شده است که در خدمت مقامات دولتی اصل صداقت مطلق و صحت عمل کامل را ملحوظ دارند و رعایائی امین و شریف و شایسته اعتماد وثقه برای حکومات متبوع خود باشند. این ارشادات و هدایات را در الواح مبارکه ای چون بشارات، اشراقات، اصل کل الخیر و لوح عهدی و در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و در بسیاری از توقیعات و پیام های حضرت شوقی افندی باز می توان یافت. در رساله مدنیّه حضرت عبدالبهاء نصائح و مواعظی مخصوص وزراء و وکلاء ملت و کارمندان دولت و سایر اهل منصب و در مورد نحوه سلوك و رفتار در حیات شغلی آنان مرحمت فرموده اند و بخصوص در این مورد تأکید فرموده اند که عمال دولت باید به حقوق متعارف خویش کفایت کنند و پای از دائره

هیئت مدیره مدارس تربیت طهران سال ۸۸ بدیع. سوای جناب علائی (ردیف جلو دست چپ نفر اول) در این عکس نفوس ارجمند دیگری چون جناب عزیز الله مصباح - میس شارپ-خانم روح انگیز فتح اعظم و جناب اشرف اشرف هم دیده می شوند.

امانت فرا ننهند.

هرگاه بخواهیم نفوسی را که عامل باین ارشادات وهدایات بودند در میان احباء بر شمریم باید در صف اول آنان نام جناب شعاع الله علائی را قرار دهیم. جناب علائی از نفوسی بود که عمل و سلوك خود را کل به تعالیم الهی تطبیق داده بود. نباید تصوّر کرد که سر موفقیت و درخشش جناب علائی در آگاهی وسیع ایشان باسرار امور مالی بوده زیرا بی گمان در ایران بسیار نفوس بودند که امور مالی و اقتصادی را در اعظم دانشگاههای غرب تحصیل کرده و بمرتبه متخصصان عالیقدر رسیده بودند. ولکن آن چه در جناب علائی وجه امتیاز بود درستی و صحت عمل استثنائی و صداقت فوق العاده ایشان در خدمت بود که جلب توجه حکومت را کرد و سبب ایجاد اعتماد نسبت به ایشان در شخص رئیس مملکت شد. جناب علائی با چنین صفاتی بود که مقامی والا را احراز کرد و مورد احترام و تکریم همگانی واقع گشت.

جناب شعاع الله علائی از نفوذ و قدرت خود در دستگاه دولت برای حفظ و مدافعه یاران مظلوم استفاده می کرد و در این موارد بمراجع مربوط رجوع می نمود و با کمال صراحت با آنان مکالمه می کرد و اگر ضرورت می یافت احیانا از شدت کلام هم احتراز نمی نمود. وقتی در سنه ۱۹۲۶ در هنگام اغتشاشاتی که بر اثر دسانس و تحریکات علمای دینی در ایران بروز کرد، هشت نفر از بهائیان بدست ظالمان در جهرم کشته شدند جناب علائی شخصاً نامه اعتراضی را که محفل روحانی ملی خطاب به شاه مملکت نوشته بود (رضا شاه پهلوی) بدست نامبرده داد.

بسیار اتفاق افتاد که محفل ملی ایران عرائضی در مورد تضییقات احبا به عرض هیکل مبارك حضرت ولی امرالله رساند و در هر مورد حضرت ولی امرالله دستور فرمودند از علائی بخواهید که این امر را در دست گیرد.

در ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ جناب علائی به مقام ایادی امرالهی منصوب گردید و از آن زمان بود که خدمات ایشان در عرصه بین المللی آغاز شد. از فوریه تا

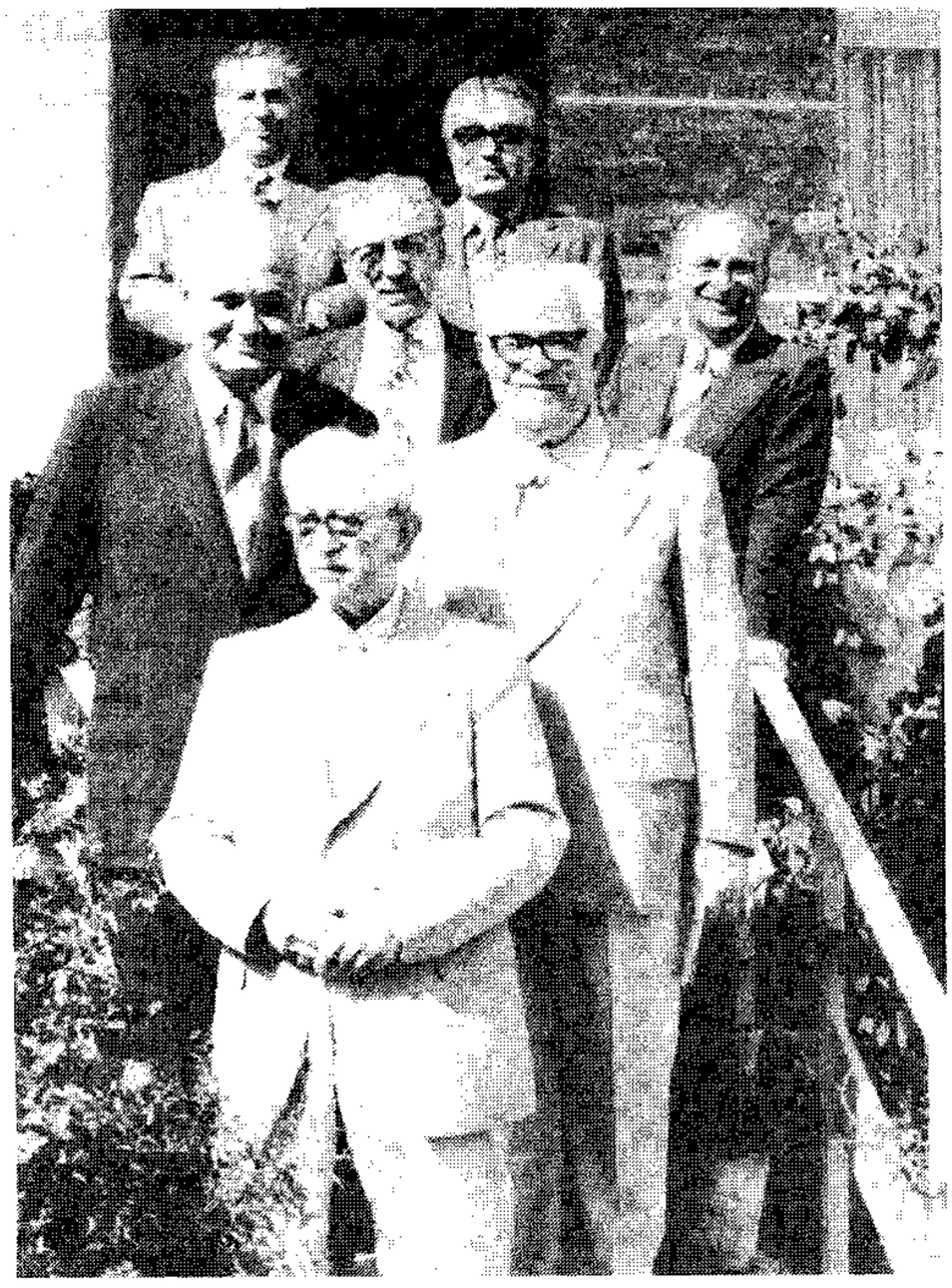

ایادیان امرالله از مهد امرالله جنابان شعاع الله علائی، جلال خاضع، ورقا و علی اکبر فروتن. و در پشت سر اعضاء هیأت معاونت جنابان دکتر مسیح فرهنگی، دکتر ایرج ایمن و هادی رحمانی

اکتبر ۱۹۵۳ جناب ایشان در چهار کنفرانس بین المللی بهائی در کامپالا - شیکاگو- استکهلم و دهلی جدید شرکت نمود. بعد ببازدید مراکز بهائی در ایالات متحده امریکا- آلمان - هلند - ایطالیا- سوئیس - هندوستان - پاکستان - مصر - لبنان - سوریه و ترکیه پرداخت.

در آوریل ۱۹۵۶ در اولین کنفرانس تبلیغی آسیای جنوب شرقی شرکت نمود و مراکز بهائی را در هندوستان - سیلان- اندونزی و مالزی بازدید فرمود. در آوریل ۱۹۵۷ بنمایندگی از حضرت ولی امرالله در انجمن شور روحانی ملی پاکستان حضور یافت. در آوریل ۱۹۵۹ و نیز ۱۹۶۰ جوامع بهائی در هندوستان - پاکستان - هنگ کنگ- ماکائو- ژاپن - ویتنام و مالزی بازدید کرد. در آوریل ۱۹۶۱ به نمایندگی مرکز جهانی در انجمن های شور روحانی ملی کلمبی و جامائیکا شرکت جست. پس از آن تا ماه نوامبر مراکز بهائی را در آمریکا و اروپا مورد بازدید قرار داد. در آوریل ۱۹۶۲ بنمایندگی مرکز جهانی در انجمن شور روحانی ملی سیلان حاضر شد. جناب علائی سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۸ را در ایران طی کرد و محفل روحانی ایران را در ایفای وظایف مهمه اش و در تصدی اداره اماکن متبرکه و اماکن تاریخی و دیگر املاك بهائی یاری و معاضدت نمود. در مواقع لزوم با مراجع دولتی برای حل مسائل و مشاکل که اعداء امرالهی ایجاد نموده بودند تماس گرفت.

در طول این مدت در مراحل مختلف و متعدد از جامعه های هندوستان - الجزایر- تونس- انگلستان و چند کشور اروپائی دیگر بازدید نمود و در طی همین سالها بود که همکاری نیرومندی با هیأت مشاورین قاره ای آسیای غربی برقرار فرمود. جناب علائی در سال ۱۹۷۸ در کانونش بین المللی در حیفا شرکت جست و لکن مراجعت ایشان بایران بعلت آغاز انقلاب ایران غیر مقدور گردید لذا مدتی در اروپا اقامت جست و بعد رهسپار آمریکا شد ودر کشور اخیر بود که سالهای آخر زندگی خویش را بسر آورد.

**

پیام بهائی : متن ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی که در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۴ بوسیله تلکس مخابره شده در آن خبر صعود جناب علائی را به سمع عالم بهائی رسانده اند و در شماره ۶۲ پیام بهائی درج شده است.

جناب شعاع الله علائی بخش اعظم شرح زندگی خویش را در دفتری نگاشته و آن دفتر در نزد خانواده عزیز ایشان محفوظ است. شرح احوال جناب ناظم الحکماء پدر ایشان هم در کتاب مصابیح هدایت تألیف جناب عزیز الله سلیمانی آمده است. این مطلب هم ناگفته نماند که جناب علائی درحدود سنه ۱۹۱۲ میلادی با دختر عموی خود ازدواج کرد که حاصل آن سه پسر و دو دختر بودند (دکتر حشمت علائی، مهندس بهجت علائی و امیر علائی ، مهرانگیز خانم رمزی و فرح انگیز خانم راسخ). همسر ایشان در سنه ۱۹۷۳ برحمت ایزدی پیوست. جان آن دو نفس ممتاز در ملکوت قدس الهی در اهتزاز باد.

کتابهای تازه

نظم جهانی بهائی

منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله

ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم

مؤسسه معارف بهائی
بلسان فارسی

ع - ص "غبار"

"بر اهل تحقیق پوشیده نیست که معرفت امر بهائی و حقایق مکنونه در آئین حضرت بهاءالله بدون استعانت از آثار مبیّن منصوصش حضرت شوقی افندی ولی امرالله چنانکه باید کامل نگردد و دقائقش غالباً پوشیده ماند. حضرت ولی امرالله طی سی و شش سال دوره ولایتش آثاری بی شمار در تبیین نصوص مقدسه و تعیین حدود نظم اداری و تأسیس مؤسسات بهائی و تشویق اهل بهاء، بزبانهای فارسی و انگلیسی صادر فرموده و بمدد آنها جامعه بین المللی بهائی را قدم بقدم هدایت فرمود و نضج و انسجام بخشید و مهیای آینده ساخت.

جناب هوشمند فتح اعظم مقدمه کتاب" نظم جهانی بهائی" را که منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله است با سطور فوق آغاز کرده اند. ایشان پنج توقیع را که در فاصله سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ خطاب به احبای غرب صادر شده انتخاب کرده اند. اصل این تواقیع منیعه باضافه دو توقیع دیگربرای اولین باردر سال ۱۹۳۸ توسط محفل ملی بهائیان امریکا و کانادا در مجموعه ای بنام "نظم جهانی بهاءالله"* بچاپ رسیده و بعداً بارها طبع آن تجدید گردیده است.

مترجم محترم در مورد نحوه ترجمه و اقتباس این مجموعه در مقدمه کتاب چنین می گویند:

"...توقیعات منیعه حضرت ولی امرالله بزبان فارسی در اختیار یاران ایران بوده و هست و کل از عظمت آن آثار آگاهند و از انوار هدایتش برخوردار. اما لئالی شاهواری که در توقیعات آن بزرگوار بزبان انگلیسی نهفته است از دسترس اغلب فارسی زبانان بیرون است و این بنده همواره آرزومند بود که ایرانیان علی الخصوص جوانان بهائی که فرصت آموختن زبان انگلیسی را نیافته اند از آن گنجینه حصّه ای یابند و در پرتو هدایتش میدان فهم و ادراکشان را از حقایق و مقاصد امر بهائی وسعت بخشند. اما در عین حال میدانستم که ترجمه آن آثار گهربار را قلمی سحّار باید تا چنانچه شاید از عهده بر آید و این ناتوان را توانائی آن نیست که قدم در چنین شاهراهی نهد که

* The World Order of Baha'u'llah.

گذرگاه شهسواران است و مجال مردان میدان. لهذا متحیّر ماندم که چراغ اشتیاق را چگونه برافروزم تا از آن آفتاب عالمتاب شراره ای بنظر صاحبان بصر آید و پس از تأمل بسیار بر آن شدم که گردِ ترجمه آن شاهکار ها نگردم و فقط سعی کنم مفاد توقیعات مبارکه را باندازه وسع خود بزبانی که در خور فهم عموم باشد بفارسی در آورم و این اوراقی که ملاحظه میکنید نتیجه چنان کوششی است که در بحبوحه مشاغل معهود در ضمن فراغت محدود فراهم آمده."

باید باین نکته توجه داشت که این توقیعات مبارکه در سالهائی صادر شده که دنیا گرفتار نتایج جنگ جهانی اول بوده، سالهای بروز بحرانها نابسامانی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، سالهائی که روند وقایعش دنیا را به جنگ مهیب دیگری‌کشاند.

اکنون که ما پس از گذشت نیم قرن این آثار مبارکه را مطالعه می نمائیم با توجه به آنچه که طی این مدت واقع شده در می یابیم که چگونه بهنگام تحریر این تواقیع منیعه، وقوع جنگ خانمان سوز جهانی دوم و حوادث ماقبل و مابعد آن در آئینه ضمیر آن هیکل مکّرم منعکس شده است. عناوین این توقیعات مبارکه خواننده را به مواضیع مندرجه در آنها هدایت میکند:

۱ - توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ (نظم جهان آرای الهی) - سرچشمه نظم جهانی بهائی - مؤسسه ولایت امر - مقاصد حیات بخش مؤسسات بهائی.

۲ - توقیع مورخ ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ (ملاحظات بیشتر در بارهء نظم جهان آرای الهی) صفات ممیزه نظم جهانی بهائی - هجوم ملل و اقوام - تفاوت بین امر بهائی و سازمانهای دینی- امر بهائی هیکلی زنده‌است.

۳ - توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ (هدف نظم بدیع جهانی)ضعف سیاستمداری - مبانی نظم جهانی - هفت شمع وحدت - حکومت جهانی - وحدت در کثرت - اصل وحدت عالم انسانی- اتحادیه عالم انسانی - آتش امتحانات- منادی یزدانی.

٤ - توقیع مورخ ۲۱ مارچ ۱۹۳۱(عصر ذهبی امر بهائی) تدنی در عالم فانی - جهت امتیاز با ادیان پیشین - اصل کلی حقانیت ادیان - لزوم ظهور جدید- مقام حضرت باب - سیاست الهی.

۵ - توقیع مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳٦ (تولد مدنیت جهانی) بلوغ عالم انسانی - طی مراحل ائتلاف و امتزاج - غایت کمال- درد تولد و مرگ- دورهء تغییر و تبدیل عمومی- عصر تحول - سقوط سازمانهای اسلامی- انحطاط مؤسسات مسیحی و علائم انحطاط معنوی- شکست بنیان سیاست و اقتصاد- اصل امنیت جمعی- جامعه پیروان اسم اعظم- دین جهانی- مجازات الهی- هدف وحدت عالم انسانی.

***

عصر ما، عصر تضادها، بی اعتبار شدن ارزشها، فرو ریختن دیوارها و سدها، نابسامانی و سرگردانی نوع بشر، ورشکستگی مرامهای سیاسی، رواج تعصبات ملی، مذهبی و نژادی، انحطاط معنوی و اخلاقی، شیوع ماده پرستی، فساد و بی دینی و تجمل پرستی است. حضرت ولی امرالله ممیزات این عصر را بدین گونه توصیف می فرمایند:

"احیاء بازگشت تعصبات دینی و خصومات نژادی و غرور وطنی، شواهد روز افزون خود پرستی و سوءظن و خوف و تقلب، اشاعه تروریسم و قانون شکنی و شرب مسکرات و جنایت، داشتن عطش مفرط و کوشش حاد و بیحدّ برای کسب مال و لذت و شئون ناچیز دنیوی، تضعیف اساس خانواده، اهمال در مراقبت وانضباط اطفال از طرف والدین، استغراق در تجمل پرستی، نداشتن حس مسئولیت در قبال ازدواج و بالنتیجه ازدیاد طلاق و انحراف در عالم هنر و موسیقی، ملوّث شدن ادبیات و فساد مطبوعات، تزئید نفوذ و فعالیت مروجین انحطاط که از بسربردن زن و مرد باهم بدون ازدواج دفاع می کنند و فلسفه برهنگی را تعلیم میدهند و حیا را

منسوخ و افسانه خیالی می شمارند و از قبول اینکه تولید نسل را مقصد اصلی و مقدس ازدواج بدانند ابا دارند و دین را افیون خلق توصیف میکنند واگر بتوانند نوع بشر را به قهقرای توحش و هرج و مرج و بالاخره انهدام صرف سوق میدهند. اینها بظاهر ظاهر از خواص بارزه جامعه فاسد منحط این زمانند جامعه ای که چارهء دیگرش نیست جز آنکه یا دوباره احیاء شود یا بمرگ و نیستی دچار گردد.. انحطاطی مشابه نیز در عالم سیاست عصر کنونی ما مشهود است که بنوبهء خود برهمان تجزی و فساد و سرگردانی این عصر شهادت میدهد..."

سپس به تحولاتی که در دنیا در زمینه امنیت بین المللی (تا بهنگام تحریر این توقیع) انجام گرفته اشاره می نمایند و آنها را برای تحقق وحدت عالم انسانی کافی نمی شمارند و چنین افاده مطلب مینمایند: "در پرتو تحولات کنونی بین المللی این بیان مبارک حضرت بهاءالله چه صریح و واضح و پیش بینانه می نماید که فرمود: "ان اتحّدوایا معشر الملوك به تسکن ارياح الاختلاف بينكم و تستريح الرّعيه من حولكم ان انتم من العارفين. ان قام احد منكم على الاخر قوموا عليه ان هذا الاّ عدل مبين."

درمقابل چنین انحطاط و هرج و مرجی که بر مؤسسات وعقاید و افکار حاکم است به نقش تعیین کننده جامعه جهانی بهائی و قوای مکنونه ای که درحقیقت امرالله نهفته است، توجه خواننده را جلب مینمایند: «در این جهان که مؤسسات عرفی و دینیش غالباً درحال انحلال است جز جامعه پیروان اسم اعظم که اقدامات جهانگیر و نیرو بخشش نماینده جریان وحدت انگیز و ترکیب کننده عالم است، دیگر کیست که بتواند روی آسایش و سعادت ببیند؟ آنانند "اصحاب یمین" که مکمن عزشان بربنیان نظم جهان آرای بهاءالله، نظمی که سفینه نجات ابدی در این یوم اعظم است، استقرار یافته. بین مردم این جهان فقط اهل بهاء هستند که در بحبوحهء طغیان این عصر پرطوفان میدانند که دست قدرت پروردگار است که آن سفینه نجات را بسوی مقصود میراند و سرنوشتش را معین میکند و فقط آنانند که ببافتن تار و پود سیاست منظم جهانی مشغولند و از بسط و رشد آرام و تدریجی اش واقف و آگاه... در جهانی که مؤسسات و اجتماعش فاسد و بینشش تاریك و وجدانش مشوّش و دستگاههای دینیش بی جان و از مناقب و فضائل عاری است، در چنین جهانی این عامل شفا بخش یزدانی، این نیروی نافذ الهی، این قوه جذب کننده معنوی که در غایت نشاط و تأثیر است بتدریج شکل می پذیرد و در کالبد مؤسساتش متبلور میشود و نیروهایش را بسیج میکند و برای غلبهء روحانی جهان و نجات عالم انسان آماده میشود. و هر چند جامعه ای که آمالش را تجسم داده اینك بسی کوچك است و فوائد مستقیم و محسوسش قلیل، اما قوای مکنونه اش که برای احیاء بشر و تعمیر جهان شکسته خلق شده آن چنان عظیم است که در حساب نیاید."

***

مترجم محترم در هر جا که ترجمه آثار دیگر طلعات قدسیه در کتاب آمده اصل فارسی یا عربی آنرا نقل کرده اند. در پایان کتاب مضمون آیات عربی را ذکر کرده اند و نیز در انتهای کتاب توضیحاتی در باره بعضی از مسائل تاریخی و سیاسی مربوط به متن توقیعات بوده درج کرده اند که به درك صحیح مطالب کمك فراوانی به خواننده می نمایدو بالاخره فهارس اعلام و فصول ، راهنمای خوبی برای خواننده است.

به عقیده نگارنده، مجموعه کم نظیر "نظم جهانی بهائی" را به لحاظ احتوای بر مفاهیم عالیه صادره از قلم حضرت ولی امرالله میتوان در کلاسهای امریه مخصوصاً به جوانان عزیز تدریس کرد و مورد بحث قرار داد.

مجموعه "نظم جهانی بهائی" در ۲۱۱ صفحه بقطع پستی با چاپ و تجلید پاکیزه توسط مؤسسهء معارف بهائی به زبان فارسی (کانادا) منتشر شده است. توفیق مترجم محترم و مؤسسه ناشر را مسئلت داریم و خوانندگان را به مطالعه کتاب دعوت می کنیم.

۳ - ٤ - ٤

در رجوع هر چیز باصل خود

در بیان مبارکی در مفاوضات حضرت عبدالبهاء شرح دو طبیعت جسمانیه و روحانیه را بنحو ذیل تشریح میفرمایند قوله العزیز: "بدانکه در انسان دو طبیعت است طبیعت جسمانیه و طبیعت روحانیه طبیعت جسمانیه موروث از آدم است و طبیعت روحانیه موروث از حقیقت کلمة اللّه... عالم جسمانی انسانی عالم گناه است عالم جسمانی انسان عالم نقائص است.... اما حقیقت مسیح یعنی کلمةاللّه سبب حیات روحانیست..." ص ۸۵ - ۸۷ هند ۱۹۸۳

بزبانی دیگر به آن طبیعت جسمانیه انسان طبیعت خاکی گفته میشود چنانچه گوئیم خداوند آدم را از خاك آفرید و طبیعت روحانیه او را امراللّه و کلمة اللّه دانیم چنانکه در آیه شریفه وارد: "قل الروح من امر ربی.

حال همچنانکه وجود جسمانی انسان از خاك آمده و به خاك راجع میگردد حقیقت روحانیه او نیز آرزوئی جز پرواز بعوالم باقیه و وصول بمعارج عزّ احدیه ندارد از جمله در صلوة کبیر آمده است:

"ای رب تری الغریب سرع الی وطنه الاعلی"

و این مسئله و سیّر رجوع هر چیز باصل خویش در جمیع عوالم جسمانیه و روحانیه صادق همچنانکه مبداء ومعاد کل از نقطه واحده بوده بهمین طریق نیز حیات روحانی وصعود ارواح مقدسه بعوالم لانهایه آلهیه میباشد.

" اناللّه و انّا الیه راجعون" در دور فرقان و آیاتی چون "از توام و بتو آمده ام قلبم را بنور معرفتت منیر فرما" در مناجاتی از جمالقدم و بیان مبارك در کلمات مکنونه فارسی فقره ٤٤ که گوید"تا بفراغت از این جسد فانی بفردوس معانی راجع شوی" کل شاهد صدق این سیر و رجوع روح انسانی بعوالم ملکوتی و جبروت باقی الهی است.

این شوق و شعف جانهای مشتاق به پرواز بعالم راز مایه شور و وله اهل عرفان در آثار و اشعار همه ادوار بوده از جمله مولانا علیه الرحمه در مثنوی فرموده:

بشنو از نی چون حکایت میکند
وز جدائیها شکایت میکند
کز نیستان چون مرا ببریده اند
از نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق

تا بالاخره مقام رجوع باصل را به تشبیه ذیل بیان داشته گوید:

هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

و اشاره حضرت روح در کتاب مقدس که خاك به خاك و روح به روح برمیگردد نیز گویای همین حقیقت اصلیه میباشد.

عزیز نسفی در کتاب کشف الحقایق به تفصیل به معنی خاك توجه و مبدء و معاد خاکی انسان و رجوع هر چیز باصل خود را تشریح نموده که خلاصه ای از آن دراین مقام نقل میگردد.

"وجود ظاهری دارد و باطنی. ظاهر او را خلق گویند که عبارت از عالم اجسام است و باطن او را امر گویند که عبارت از عالم ارواح است. هر دو از نقصان به کمال میروند یعنی از خاك به مراتب کمال میرسند و باز بخاك باز میگردند این است معنی "کل شئی یرجع الی اصله" و نیز میگوید: چون جسم و روح از مرتبه خاك برآمدند و بغایت خود رسیدند باز بخاك برمیگردند اینست معنی "منها خلقناکم وفیها

"ایام ها" یا "ایام اعطاء"

دکتر جلیل محمودی

حضرت اعلی عظمت این ظهور اعظم را که خود مبشر و در موارد عدیده شریك در تشریع آن بوده اند با بیاناتی بسیار فصیح و رسا مرقوم و تبیین فرموده اند. از جمله موازین نوین و بی سابقه ای که تأسیس فرموده اند تقویم و تاریخ جدید است که لسان عظمت جمال اقدس ابهی نیز بر آن گواهی داده و تصویب فرموده اند. در این تقویم سال را سال شمسی شناخته اند و آنرا به ۱۹ ماه نوزده روزه تقسیم فرموده اند که میشود ۳۶۱ روز و ایام زاید که در سالهای عادی چهار و در سال کبیسه ۵ روز است بنام "ایام ها" نامیدند.

(ها در حساب ابجد عدد پنج است) و این ایام را قبل از ماه صیام مقرر داشته اند.

بنابر این "ایام ها" مؤسسه مقدسی است که حضرت اعلی آنرا تأسیس و حضرت بهاءالله آنرا تأیید فرموده و در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند:

"و اجعلوا الایام الزاید عن الشهور قبل شهر الصیام انا جعلناها مظاهر الهاء بین اللیالی و الایام..." که مضمون قسمتی از آن بفارسی این است که : "...قرار دهید روزهای زاید بر ماه ها را قبل از ماه صیام و آنها را مظاهر هاء بین شبها و روزها مقرر داشتیم..." و بعد بیان مبارك در کتاب مستطاب اقدس چنین ادامه پیدا میکند که میفرمایند: "ینبغی لاهل البها ان یطعموا فیها انفسهم و ذوی القربی ثم الفقراء و المساکین و یهلّلن و یکبّرن و یسبّحن و یمجّدن ربهم بالفرح و الانبساط..."

که خلاصه مضمون بیان مبارك بفارسی اینست که در این ایام "سزاوار است که اهل بهاء به اطعام خود و بستگانشان و همچنین فقراء و مساکین بپردازند و با سرور و انبساط خداوند بزرگ را با تهلیل و تکبیر و تحسین و تمجید ستایش نمایند..."

بنابر این "ایام ها" ایام فرح و انبساط است و شادمانی و مسرت و بفکر دیگران بودن.

روزهای بذل و بخشش است و خوب خوردن و خوب زیستن و مهیا شدن برای فریضه بسیار مهم و بزرگ "روزه" که اهمیت و مقام آن خود در خور مقالاتی مفصل است.

نعیدکم و منها نخرجکم قارة اخری" سوره طه ۵۵

و نیز گوید: "بدانکه جوهر خاك مبدء عالم اجسام و مبدء عالم ار واحد هر دو بمراتب بر میآیند و در هر مرتبه نامی میگیرند تا به نهایت و غایت خود رسیدند انسان ظاهر شد و چون انسان ظاهر گشت باز بازگشت بخاك خواهد بود که بازگشت هرچیز باصل خود باشد و چون بجوهر خاك بازگردند امتیاز نباشد میان خاك زید و عمر و...."

چنانکه ملاحظه میگردد عزیز نسفی نیز بازگشت کل را به خاك مورد توجه قرار داده از آن بی امتیازی و یگانگی بین افراد بشر را نتیجه گرفته است.

اخبار و بشارات جامعهٔ جهانی بهائی

گزارش مختصر کنفرانس تبلیغی مسکو (۸ - ۹ دسامبر ۱۹۹۰)

(از نامه آقای دکتر هوشنگ رأفت)

دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد؟
ابری که در بیابان بر تشنه ای ببارد!
"سعدی"

در تاریخ ۸ - ۹ دسامبر ۱۹۹۰ نخستین کنفرانس تاریخی یاران ممالك و جماهیر شوروی در شهر مسکو بر حسب اراده بیت العدل اعظم الهی تشکیل گردید.

قریب ۲۵۰ نفر از احباء آن اقلیم از جمهوریات مختلف و مراکز متنوعه همچنان گلهای خوشرنگ بوستان الهی زینت بخش این حفلهٔ پرشکوه و نورانی گردیدند. تقریباً ٤٠ شهر و مرکز امری نماینده اعزام داشته بودند. اسامی بعضی از آنان یاد آور خاطرات پر جلال جوامع امری قدیم همچون بادکوبه - گنجه - عشق آباد، مرو و سمرقند و اخیراً دوشنبه پایتخت تاجیکستان بود و بعضی نماینده نفوذ امر اعظم و استقرار آن در مناطق جدیدی چون ساخالین Sakhalin و اولان اوده - آلما آتا Alma-Ata- کازان Kazan - مور مانسك Mur-mansk و بندر شمالی واقع در ساحل اقیانوس منجمد شمالی، تالین Tallin، ریگا Riga، ویلنیوس Vilnius (این سه شهر اخیر پایتخهای ممالك بالتیك استلند لاتوی و لیتوانی)، کیف (پایتخت اوکرائین)، بندر اُدسا Odessa، (در ساحل بحر اسود)، مینسك Minsk (پایتخت روسیه سفید)، پتروزاوسك Petrozavosk در شمال غرب، Sverdlovsk در نزدیك کوههای اورال و دهها مرکز دیگر بودند. چهره ها شاد و آثار ایمان و روح بهائی از آن مشهود بود.

نمایندگان محافل ملیه آلمان سوئد، فنلاند، نروژ، کانادا، آلاسکا، ژاپن و ایالت متحده و هاوائی، انگلستان و هندوستان که هر یك نقشی در ابلاغ امرالله و تحکیم مؤسسات اولیه آن اقلیم پر استعداد داشتند در کنفرانس حاضر بودند و هکذا ٦ نفر از حضرات مشاورین قاره ای از اروپا، آسیا و آمریکا شرکت کرده و با بیانات و خطابات خود مجتمعین را مسرور و محظوظ نمودند و بقیام بخدمت و تبلیغ و حفظ وحدت و اتفاق تشویق و تحریص نمودند.

ترجمه پیام مهیمن معهد اعلی خطاب بیاران مجتمع در کنفرانس مسکو بزبان روسی توسط یکی از اعضاء محفل مسکو قرائت شد و آنگاه نمایندگان محافل و جوامع شوروی هر یك شرحی از اوضاع محلی خود منجمله وضع تبلیغ، تعداد احباء تشکیل و تسجیل محفل و سایر اقدامات و فعالیتهای امریه ارائه نمودند. برخی از آن عزیزان که از یاران قدیم و ممتحن آنسامان بوده و بعضاً تحمل مصائب و بلایای عدیده در طی سالهای طولانی نموده و رنج تنهائی و نفی و تبعید را کشیده بودند بشدت تحت تأثیر قوای روحانی منبعث از این حفلهٔ نورانی قرار گرفته و قطرات اشك در چشمانشان حلقه زده بود یکی بصدای بلند سرود "ایهاالناس، ما همه بشریم - بندهء یك خدای دادگریم" (جناب نعیم) را میخواند، نماینده گنجه با قوت و قدرت بهمهء حضار تحیت الله ابهی می گفت و عکسهای قدیم احباء آن دیار و آن دوستان بادکوبه و تفلیس را نشان میداد واسامی متقدمین و متصاعدین را بیاد می آورد و با افتخار خود را نسل چهارم بهائی میخواند! همین کیفیت در بیان و گفتار دوستان مرو و سمرقند ملاحظه میشد و حال آنکه دوستان، دوشنبه از ازدیاد عدد احباء (٥٠ نفر بالغ و حدود ١٠٠ نفر با کودك و جوان) صحبت میکردند و با مسرت ترجمهء ٦ کتاب را بتاجیکی و تشکیل مرتب ضیافات و جلسات محفل را تذکر میدادند. نمایندهٔ ساخالین این جامعه نوبنیاد که پس از هجرت عائله گرامی کتیرائی بآن اقلیم تاسیس گشت از پیشرفت بی نظیر تبلیغی در مدت چند ماه و تصدیق ۷۰ نفر و ورود حضرت امة البهاء، و نطقهای ایشان و مصاحبه های رادیوئی، تلویزیونی و رپورتاژهای مطبوعات آنمحل سخن میگفت. ترقی امر و اعتبار و شهرت آن بدرجه ای رسید که مقامات رسمی زمینی را جهت تأسیس "مرکز بهائی" بیاران پیشنهاد نموده اند و جامعه بهائی پیشنهادات و اهداف بزرگی جهت انجام امور اجتماعی و فرهنگی در آن منطقهء پر استعداد که در کنار اقیانوس آرام واقع است عرضه دادند. نمایندگان شهر کازان که از جنبه تاریخی و فرهنگی نقطه برخورد اسلام و مسیحت است اکثر جوان و از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه آن شهرند اظهار داشتند که چون امر بهائی خلاصه و جوهر همهء ادیان و مروج اخلاق و ایمان و منطبق با علم و منطق و پاسخگوی نیازهای اجتماعی و روحانی است لذا مامصمیم که در کازان دوره هائی در سطح دانشگاه شامل تاریخ، فلسفه، فرهنگ ایجاد کنیم و اصول امر را به پژوهندگان حقیقت تفهیم نماییم و فعلاً در فکر دوره های شبانه هستیم و همچنین

کانون یا اتحادیه هنر و دیانت، مطمح نظر و جز برنامه ما است.

از شهر کیف Kiev ۲٤ نفر از احباء منجمله چند مهاجر شرکت کرده و گفتند محفلشان در اواخر تابستان تشکیل شده و حال جمعیت احباء به ٤٦ بالغ گردیده است. (در سفریکه اینجانب بکیف نمودم ۲ نفر دیگر نیز بامر ملحق شده بودند و پس از مراجعت اطلاع رسید که ۱۲ نفر جدیداً تصدیق کرده اند.) بهائیان اکثرا جوان فعال و روحانیند و بعضی قصد تبلیغ در شهرهای دیگر آن جمهوری (اوکرائین) را دارند. Odessa مرکزی فعال و پر رونق است و حضور یك مهاجر مطلع و خدوم جهت تحکیم و تزئید معارف یاران جدید بسیار مؤثر است.

نماینده مسکو اظهار داشت که هفته ای سه بار جلسه تبلیغی دائر و عدد یاران آنشهر به ۸۰ بالغ گردیده است. شماره دوم نشریه اخبار امری نیز در همان ایام تشکیل کنفرانس بهمت دوستان مسکو چاپ و توزیع گردید.

در طی این۲ روز کنفرانس مسائل مهم در پیرامون تبلیغ، ترجمه و نشر آثار امری بروسی و السنه دیگرتنظیم احصائیه و تسهیل ارتباط و تشریك مساعی جامعه یاران و بسیاری از مطالب و مواضیع مهمه که در پیام بیت العدل اعظم بدان اشاره شده بود بحث و مشاوره بعمل آمد. اکثراً با ابراز سرور از تشکیل کنفرانس، شائق تجدید برگزاری آن اقلاً سالی یکبار و احتمالاً در شهرهای دیگر شدند.

جناب دکتر فیروز کاظم زاده نماینده محفل ملی امریکا نطق جالب و مهمی بزبان روسی ایراد کرده و پس از اشاره بسوابق روحانی تاریخی روسیه و آمریکا و وجود اشتراك آندو مملکت از نظر اجتماعی و مشکلات عدیدهء دیگر یاد آور شدند که مسئولیت و تکلیف یاران دمیدن روح حیات در کالبد بیجان عالم است. ۱۰۰۰ سال قبل مسیحیت از بیزانس از راه اوکرائین بروسیه آمد و هکذا اسلام از قفقاز و ترکستان بان ممالك نفوذ کرد. دو تمدن روحانی و فرهنگ معنوی آن حدود را ایجاد نمود. نقش پیروان اسم اعظم در این موقعیت حساس و تاریخی در این اقلیم رفع اختلافات و تعصبات ملیه و دینه است که بتدریج روح وحدت و اتفاق را جایگزین مناقشات قومی – مذهبی نماید.

گفته شد که ٦ نفر از مشاورین ارجمند از سه قاره عالم در این کنفرانس حاضر بودند و هر یك به اسلوبی خاص مهمترین وظایف یاران را بر شمردند. جناب سهراب یوسفیان که از کنفرانس تبلیغی رومانی آمده بودند حامل پیام دوستان مجتمع در رومانی به کنفرانس مسکو و بشارت تصدیق ٤۰ نفر و حضور ۲۵۰ نفر در آن کنفرانس بودند.

برنامهء شبهای کنفرانس عبارت از اجرا، نمایش و موسیقی و آواز توسط هنرمندان بسیار ماهر و مشهور منجمله یك خواننده تِنُور از شهر کازان بود.

شرح جزئیات این کنفرانس که فی الواقع، جشن سرور و سپاس ببارگاه جمال اقدس ابهی بود از حوصله این مقاله مختصر خارج است. احساس قلبی همه و اطمینان خاطر دوستان به پیشرفت محیر العقول امر اعظم در آن خطهء وسیعهء پر استعداد است. همه منتظر فتوحات روحانیه بیشتر در آینده نزدیك و تأسیس بنیان محفل ملی در موعد مقررند . باری "مصداق بیت" این طفل یك شبه ره صد ساله میرود، در مورد اتساع و استقرار امر در ممالك شرقیه شاید بجا و بمورد و خالی از مبالغه و اغراق باشد.

سفرهای امة البهاء روحیه خانم به اروپا و آسیا

امة البهاء روحیه خانم ایادی عزیز امرالله در ماه سپتامبر سال جاری از کشورهای اسپانیا و فرانسه دیدن فرمودند. حضرت روحیه خانم از اول تا سوم سپتامبر در کنفرانسی که در مادرید پایتخت اسپانیا تشکیل شد شرکت کردند. دراین گرد همائی بیش از چهارصد تن از احبای بیست کشور حضور داشتند. در پایان برگزاری این کنفرانس پنج تن به امر مبارك ایمان آوردند.

امة البهاء روحیه خانم از هفتم تا نهم سپتامبر در کنفرانس دیگری که در شهر باستیا Bastia در جزیره کرس Corse برگزار شد حضور یافتند. در این کنفرانس پانصد تن از احباء از جمله دو تن از مشاوران قاره ای جناب لوئی هنوزه و خانم آگنس غزنوی شرکت داشتند. برگزاری کنفرانس کُرس اقبال سه تن به امر مبارك را نیز در پی داشت. ایادی امرالله روحیه خانم در کرس با شهردار باستیا که یکی از اعضای پارلمان فرانسه نیز میباشد دیدار و گفتگو کردند.

ایادی عزیز امرالله روحیه خانم در هجدهم سپتامبر در سر راه خود به جزایر ساخالین وارد شهرهاربین Harbin در چین شدند و مورد استقبال اولین مؤمن جزایر ساخالین قرار گرفتند که برای همراهی کردن امة البهاء به این جزایر به چین سفر کرده بود. این جوان روسی از طریق جناب عباس کتیرائی وهمسرشان، فاتحان روحانی جزایر ساخالین، با امر مبارك آشنا شده است. امة البهاء در هاربین با دو تن از احبای چینی که پزشك هستند ملاقات کردند. ایادی عزیز امرالله در پی این ملاقات در گزارشی که به ارض اقدس رسیده است چنین مرقوم فرموده اند: "مشاهده مؤمنان جدید روسی و چینی در کنار یکدیگر و ملاحظهء ایمان و لیاقت ایشان و تحقق معجزات حضرت بهاءالله در این بخش از قاره آسیا که فوق العاده پذیرای تعالیم مبارکشان است شور و شوقی عظیم را در انسان برمی انگیزد."

امة البهاء روحیه خانم در بیست و دو سپتامبر وارد جزایر ساخالین شدند و در فرودگاه مورد استقبال گرم جامعه بهائی قرار گرفتند. ایشان بلافاصله در یك مصاحبه مطبوعاتی به پرسش های یك خبرنگار تلویزیون، دو روزنامه نگار و دو گزارشگر رادیو پاسخ دادند. در پی این گفت و شنود که یکساعت به درازا کشید مطبوعات و رادیو تلویزیون به تفصیل درباره امر مبارك و تعالیم حضرت بهاءالله و سفر روحیه خانم بحث و گفتگو کردند.

در بیست و سوم سپتامبر، امة البهاء روحیه خانم در ضیافت ناهاری که بافتخارشان برپا شده بود تنی چند از خبرنگاران تلویزیون نیز در آن حضور داشتند شرکت کردند. در جریان این ضیافت دو تن از حاضران به امر مبارك ایمان آوردند. ایادی عزیز امرالله فردای همانروز در کنگرهء یاد بود صدمین سال سفر آنتوان چخوف نویسنده معروف روسی به جزایر ساخالین نطقی ایراد کردند. حضرت روحیه خانم در این سخنرانی پیرامون پیوندهای فرهنگی بین شرق و غرب با اشاره به امر مبارك حضرت بهاءالله وتعالیم آن سخن گفتند. در ضیافت شامی که همانشب به افتخار حضرت روحیه خانم با شرکت کلیه شرکت کنندگان کنگره فوق الذکر برپا شد شهردار یوژنو-ساخالینسك Yuzhno-Sakhalinsk و یکی از اساتید دانشگاه ییل Yale امریکاضمن اشاره به دیانت بهائی و مؤمنان امر حضرت یزدان از شخصیت امة البهاء تجلیل کردند. حضرت روحیه خانم روز بیست و پنجم سپتامبر به ملاقات و مذاکره با بلند پایگان جزایر ساخالین گذراندند. ایادی عزیز امرالله در گزارش پیرامون سفر خود چنین مینویسند: این رویداد باور نکردنی به اقبال ده تن به امر مبارك منجر شده است.

حضرت امة البهاء روحیه خانم از جزایر ساخالین به چین مراجعت کرده و از آنجا راهی لهاسا مرکز تبت شدند. در جریان دیدارایشان از تبت راهنمای چینی مشارالیها به شرف ایمان فائز شد. ایادی عزیز امرالله پس از بازدید از اماکن مقدسه تبّت و دعای بسیار به پکن سفر کردند.

برگزاری روز وحدت نوع بشر در برزیل

جامعه بهائی فلوریانو پولیس Florianapolis روز پانزدهم ماه اوت سال جاری روز "وحدت نوع بشر" را طی برگزاری اجلاسی گرامیداشت. دراین گردهمائی نمایندگان بیست و هفت کشور حضور داشتند. این مراسم با تلاوت مناجاتهائی به زبانهای پرتغالی ، فرانسه و انگلیسی آغاز شد و پس از آن هنرمندان بهائی به اجرای برنامه های موسیقی و رقص پرداختند. رئیس امور بین المللی دانشگاه سانتا کاترینا Santa Caterina از جمله میهمانان شرکت کننده دراین مراسم بود که طی سخنانی ضمن تأکید بر اهمیت این رویداد از موفقیت های جامعه بهائی تجلیل کرد. نمایندگان رسانه های همگانی از جمله رادیو و تلویزیون و روزنامه ها نیز در این مراسم شرکت کردند. در پایان این مراسم به هریك از حاضران نسخه ای از پیام صلح بیت العدل اعظم اهدا شد.

اقبال دویست تن به امر مبارك در جمهوری دومینکن

بر اساس گزارش که بیست وهفتم سپتامبر سال جاری به ارض اقدس واصل شده است در پی تلاش و سفر تبلیغی شانزده تن از احباء در جمهوری دومینکن بیش از دویست تن به امر مبارك ایمان آورده اند. این گروه از احباء تحت اشراف یکی از اعضای هیات معاونت به منطقه باراهونا Barahona سفر کرده بودند و در میان این مبلغان سیّار امر نازنین حضرت بهاءالله سه تن از جوانان زیر شانزده سال نیز حضور داشتند. این برنامه تبلیغی در پاسخ به پیام ساحت رفیع بیت العدل اعظم پیرامون اقبال گروهی نفوس به امر مبارك به موقع اجرا درآمد. تقویت مبانی اعتقادی و تزیید معلومات مؤمنان جدید طی یك برنامه یکساله صورت خواهد گرفت.

برگزاری روز جهانی کودك در مشرق الاذکار استرالیا

بر اساس گزارش رسیده به ارض اقدس روز جهانی کودك در سی ام سپتامبر سال جاری در مشرق الاذکار استرالیا با شرکت بیش از پانصد تن برگزارشد. دراین مراسم اجرا کنندگان تمامی برنامه ها از میان کودکان چهار تا چهارده ساله برگزیده شده بودند. گروهی از کودکان مدارس دولتی که با تعالیم امر مبارك از طریق تدریس آن دراین مدارس آشنائی حاصل کرده اند نیز در اجرای این برنامه شرکت داشتند.

کودکان پس از اجرای برنامه های فوق الذکر درختی را در محوطهء مشرق الاذکار غرس کردند. رئیس صندوق سازمان ملل برای کودکان یونیسفUnicef در استرالیا و زلاند نو، یکی از اعضای پارلمان ایالتی ویلزWales، یك وزیر سابق و گروهی از والدین کودکان غیر بهائی از جمله میهمانان دعوت شده به این مراسم بودند.

اعلان بی سابقه امرالله در برزیل

در جشن صلحی که روز اول سپتامبر در شهر لوندرینا Londrina در برزیل برگزار شد بین هشت تا ده هزار نفر در استادیوم ورزشی این شهر شرکت کردند. برگزاری این مراسم بخشی از برنامه محفل روحانی ملی بهائیان برزیل بمنظور آموزش و تبلیغ صلح است. محفل روحانی محلی لوندرین از پنج ماه پیش سرگرم فعالیت برای فراهم ساختن مقدمات اجرائی این مراسم بوده است.

بقیه در صفحه ۳۱

پیام بهائی و خوانندگان

شماره مخصوص جناب فیضی

در ماه گذشته نیز نامه های فراوانی از خوانندگان عزیز در تشویق خادمان پیام بهائی و ابراز تشکر از شماره مخصوص که بیاد ایادی محبوب امرالله جناب ابوالقاسم فیضی منتشر شد دریافت داشتیم که متأسفانه بخاطر کمی جا موفق به درج آنها نیستیم. همچنین دوستان زیر مقالات و آثاری باینشرح در مورد جناب فیضی ارسال فرموده اند: جناب شکرالله یزدانی نجف آبادی خاطره‌ای از نجف آباد، جناب یدالله ذبیح و سرکار خانم محترم ذبیح خاطراتی از ارض اقدس، جناب حشمت الله ریحانی خاطراتی از بحرین، جناب هادی رحمانی شیرازی خاطراتی از اصفهان، جناب امان الله موقن اشاراتی در مورد لطایف و ظرایف در نامه های فیضی، خانم فرنوش موقن طرح قلمی از جناب فیضی، خانم فرزانه رأفتی ترجمه فارسی یکی از سخنرانی های جناب فیضی در مورد کلمات مکنونه، یکی از یاران مقیم انگلستان ترجمهء مقالهء جناب شهاب زهرائی از عربی در مورد حیات جناب فیضی، خانم مهری روحانی نمونه خط نستعلیق ایشان. همچنین اشعار زیبائی در رثای فیضی از جنابان ابوالقاسم افنان و فرهمند مقبلین دریافت داشته ایم.

با ابراز امتنان و سپاس فراوان حضور این دوستان بعرضشان میرسانیم که این آثار جملگی در آرشیو مجله برای استفاده در آینده نگهداری خواهد شد.

جناب فریبرز صهبا از ارض اقدس مرقوم فرموده اند: "این مجموعه چنان خاطرات شیرین و گرانقدر وجود مقدس جناب فیضی را در قلب و روح زنده کرد که فوراً به گلستان جاوید(حیفا) رفتیم و به نیابه از جانب تمام عزیزان بر مزار جناب فیضی بزرگوار مناجات تلاوت کردیم." ما هم به نیابه از تمام خوانندگان از ایشان و سایر یارانی که دراین امر شریك بوده اند سپاسگزاری میکنیم. ایشان هم چنین پیشنهاد نموده اند: "کتابی در مورد جناب فیضی و مجموعهء کامل آثار ایشان در دو مجلد فارسی و انگلیسی بچاپ برسد."

نظر خوانندگان در بارهء پیام بهائی

*جناب منوچهر قاسمی پور یزدی: خدمتی که شما با انتشار این مجله انجام می دهید نه تنها نسل امروز بهائیان فارسی زبان را که در تمام نقاط جهان پراکنده اند و از لذت برخورداری از زبان شیرین فارسی و ادبیات عمیق و غنی امری بگونه ای محروم هستند مستفیض و شیرین کام می سازد بلکه تحقیقات و بررسی های محققان آینده را درباره تاریخ امردر زمان حاضر بویژه سرگذشت غرور آفرین عشق و دلدادگی و ایثار جان شهدای محبوب اخیر ایران زمین را نیز آسان می سازد.

*خانم روح انگیز میثاقی: از هیئت مجله نشریه پیام بهائی تشکر می کنم که با نشر مجموعه ای حاوی مطالب مفید و اخبار متعدد و متنوع گذشته و حال که مطالعه اش موجب انبساط خاطر و سیر در عوالم گوناگون عشق و محبت و دانائی و راهنمائی می باشد خواننده را مدت هادر سیر روحانی از این دنیای فانی فارغ و آزاد می کنند.

پیام بهائی: از خلال این نظرات، هیئت تحریریه کوشاست که خط مشی خود را جستجو و تعیین کند علی هذا همه خوانندگان عزیز می توانند نظرات عمومی و اصلاحی خود را مرحمت کنند.

اشتراك سال۱۹۹۱

*همراه با شمارهء قبل اوراق اشتراك سال جدید تقدیم خوانندگان گرامی شد. همانطور که ملاحظه فرموده اند حقّ اشتراك سالیانه برای

کشورهای اروپائی معادل ۱۵۰ فرانك فرانسه و برای سایر کشورها ۱۶۰ فرانك معادل ۳۳ دلار است که دوستان عزیز می توانند توسط رابطین پیام بهائی یا مستقیماً توسط بانك ارسال فرمایند. مقررات بانکی فرانسه چنین است که اگر چك هائی به ارز های دیگری غیر از فرانك فرانسه ارسال گردد مقدار زیادی کارمزد کسر میگردد لذا خواهشمند است چك بانکی به فرانك فرانسه و قابل پرداخت در یکی از بانکهای فرانسه در وجه پیام بهائی به نشانی دفتر اداری و امور اشتراك که در صفحه ۲ آمده، و یا حواله بانکی مستقیماً توسط بانك به حساب جاری مجله نزد بانك سوسیته جنرال به این نشانی ارسال فرمائید:

Payam Baha'i 37261910
(30003)Sociéte Générale
(01500) 8 Av. J.Medecin
06000 Nice, France

مشترکین عزیز در آمریکا، کانادا و آمریکای لاتین میتوانند وجوه آبونمان خود را با چك دلاری شخصی بنام "پیام بهائی" در وجه محفل ملی امریکا Baha'i National Fund یا توسط رابطین یا مستقیماً به دفتر امور احبای ایرانی:

National Persian Affairs,
Baha'i National Center,
536 Sheridan Road,
Wilmette, Illinois 60091 USA.

ارسال فرمایند.

دوستانی که امکانات مالی آنان اجازهء پرداخت تمامی وجه آبونمان را نمی دهد هر مقدار عنایت فرمایند مورد تشکر است.

تقاضا از نویسندگان مقالات

*از نویسندگان عزیزی که با ما همکاری دارند تقاضا داریم مقالات خود را با خط خوانا، با مراعات همه دندانه ها و نقطه گذاری بر روی حروف مربوطه، یك خط در میان و در یك روی کاغذ مرقوم فرمایند تا از غلط های چاپی مجله انشاءالله کاسته شود. این مساله مخصوصاً در مورد نقل آیات و الواح مقدسه حائز اهمیّت فراوان است. هم چنین در مورد آثار مقدسه دادن مأخذ ضروری است. از توجهی که دوستان عزیز می فرمایند قبلاً مراتب سپاسگزاری خود را تقدیم میداریم.

نامه های خوانندگان

*جناب ادیب طاهر زاده مالمیری مرقوم فرموده اند:

اخیراً کتاب بسیار زیبا و نفیس از طرف "مؤسسه معارف امری بزبان فارسی" بنام "نظم جهانی بهائی" انتشار یافته. این اثر گرانبها که حاوی ترجمه بیانات مولای عزیز حضرت ولی امرالله درباره نظم بدیع الهی است بی اندازه مورد نیاز دوستان عزیز فارسی زبان است زیرا درك مطالب امری که در الواح و آثار مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مندرج است مستلزم مطالعه توقیعات صادره از قلم توانای مولای عزیز میباشد چه که آنحضرت در طی بیانات مبارکه به بسط حقایق و کشف اسرار و تفهیم مطالب مبهمه پرداخته و کیفیّت ترقی و تعالی امر جمال قدم را بطور وضوح بیان فرموده اند و در حقیقت فهم و درك بسیاری از مواضیع مهمه که در الواح بهیه موجود است بدون مراجعه به بیانات حضرت ولی امرالله مشکل بلکه ممتنع است و اما ترجمه آثار مبارکه از انگلیسی بفارسی امر آسانی نیست. ولی سرور ارجمند جناب هوشمند فتح اعظم محبوب القلوب جمیع یاران با وجود کثرت مشاغل عظیمه محض مساعدت دوستان آثار مبارکه را با دقتی کامل و قلمی توانا بزبانی ساده وبیانی فصیح و عباراتی دلنشین ترجمه فرموده اند به نیت آنکه هموطنان جمال قدم که از مطالعه آثار انگلیسی محرومند با قرائت و مطالعه این اثر پر قیمت و بها چشمشان روشن شود و جانشان نشئه ای تازه یابد و روحشان شاد و مستبشر شود و اقدامشان در سبیل درست بحرکت آید. امید این عبد آستان چنان است که یاران الهی از این مجموعه نفیسه استفاده نموده از بیانات مولای عزیز لذت برده و آنها را وسیله فوز به اهداف عظیمه امرالله قرار دهند.

پیام بهائی: این کتاب نفیس در بخش کتابهای تازه این شماره در صفحه ۲۱ معرفی شده

است.

*آقای خسرو آزردگان از استرالیا این نامه را خطاب به احبای عزیز الهی نوشته اند که عینا درج می شود:

از بدو ظهور این امر نازنین خواندن اشعار و سرودهای امری در جلسات و اعیاد بهائی با نواهای خوش متداول بود و چه بسا که بسیاری از آنها در حضور مظهر ظهور الهی و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله خوانده شده و موجب سرور قلوب اطهرشان‌گردیده.

از آنجائیکه حفظ این اشعار و سرودها با همان نواها و آهنگهای متداول اصلی کمال ضرورت را دارد این عبد از چندی قبل اقدام بجمع آوری و ضبط اینگونه اشعار و نواها نموده تا انشاالله تنظیم و جهت حفظ و استفاده نسلهای آینده تقدیم بیت العدل اعظم الهی گردد. علیهذا از احبای عزیز ایرانی سراسر عالم، بالاخص احبائی که اینگونه اشعار و نواها ی مخصوص آنها را بخاطر دارند استدعا می کنم آنها را با نوای مخصوص و معمول آن در روی نوار ضبط و همراه با متن کامل شعر برای این عبد ارسال فرمایند. ممکن است بعضی از اشعار با چند نوا و آهنگ متفاوت خوانده می شده که بهرحال ضبط همه آنها ضروری است. تا کنون یك مجموعه از این اشعار و نواها تهیه و تقدیم ساحت رفیع بیت العدل اعظم گردیده ، اما مطمئناً هنوز اشعار و سرودهای بسیاری وجود دارند که در مجموعه اول ملحوظ نگردیده اند. امیدوارم که احبای عزیز با شرکت در این امر مهم مرا در اتمام و اکمال این کار یاری دهند حتی اگر یك شعر یا یك سرود باشد. آدرس اینجانب:

Khosrow Azordegan
43 Drysdale st.
Rothwell Qld.4022 Australia

اطلاعیه

کتاب شرح حیات حضرت بهاءالله The King of Glory تألیف ایادی امرالله جناب حسن م. بالیوزی که قبلاً به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شده بود اخیراً توسط خانم دکتر مینو ثابت به زبان فارسی ترجمه شده و تحت عنوان "*بهاءالله شمس حقیقت*" با همان تصاویر مندرج در نسخه انگلیسی به نحو بسیار مطلوبی در ٦٤٨ صفحه چاپ و منتشر شده است.

داواطلبان خریداری این کتاب میتوانند با ارسال مبلغ ٦٥ دلار یا معادل آن به ارز محلی کتاب مزبور را از موسسه George Ronald, Pusblisher در آکسفورد و یا از آکادمی لاندگ سویس و یا از لجنه های کتابفروشی محل خود تهیه نمایند.

در یکی از شماره های آینده معرفی کاملی از این کتاب نفیس خواهد آمد.

بقیهء اخبار جامعه جهانی بهائی از صفحهء ۲۸

در طی این مدت محفل روحانی موفق شد ضمن تماسهای خود پشتیبانی سازمانهای متعدد دولتی و غیر دولتی را نسبت به این برنامه جلب کند. در این مدت بهائیان از چهل و شش مدرسه دیدن کردند و به نمایش یك رشته اسلایدهای بهائی تحت عنوان "کبوتر صلح" در این مدارس دست زدند. بعد از نمایش اسلایدها شاگردان حاضر در جلسه به شرکت دریك مسابقه نقاشی در مورد صلح دعوت میشدند. برندگان این مسابقه که از بین هجده هزار دانش آموز انتخاب شده بودند جوائز خود را در روز جشن صلح دریافت کردند. طی دیدار بهائیان از این مدارس هجده هزار وششصد دانش آموز و یکهزار و چهل و دو معلم و مدیر با امر مبارك آشنا شدند. دو فرستنده تلویزیونی و فرستنده های رادیوئی برزیل در سراسر ماه اوت هر روز چندین بار آگهی های مربوط به این رویداد را پخش میکردند. احبای الهی در جهت معرفی برنامه آموزش صلح در گفتگوهای متعدد شرکت کرده وبه تبلیغ مستقیم و غیر مستقیم امر الهی موفق شدند. شهردار شهر هجده اتوبوس را برای بردن شرکت کنندگان به استادیوم در اختیار محفل روحانی گذارده و خود نیز در مراسم حضور یافته بود. مراسم برگزاری این جشن که با اجرای برنامه های متعدد هنری، نمایش فیلم های سازمان ملل و اسلایدهای بهائی همراه بود بطور مستقیم از تلویزیون پخش گردید.
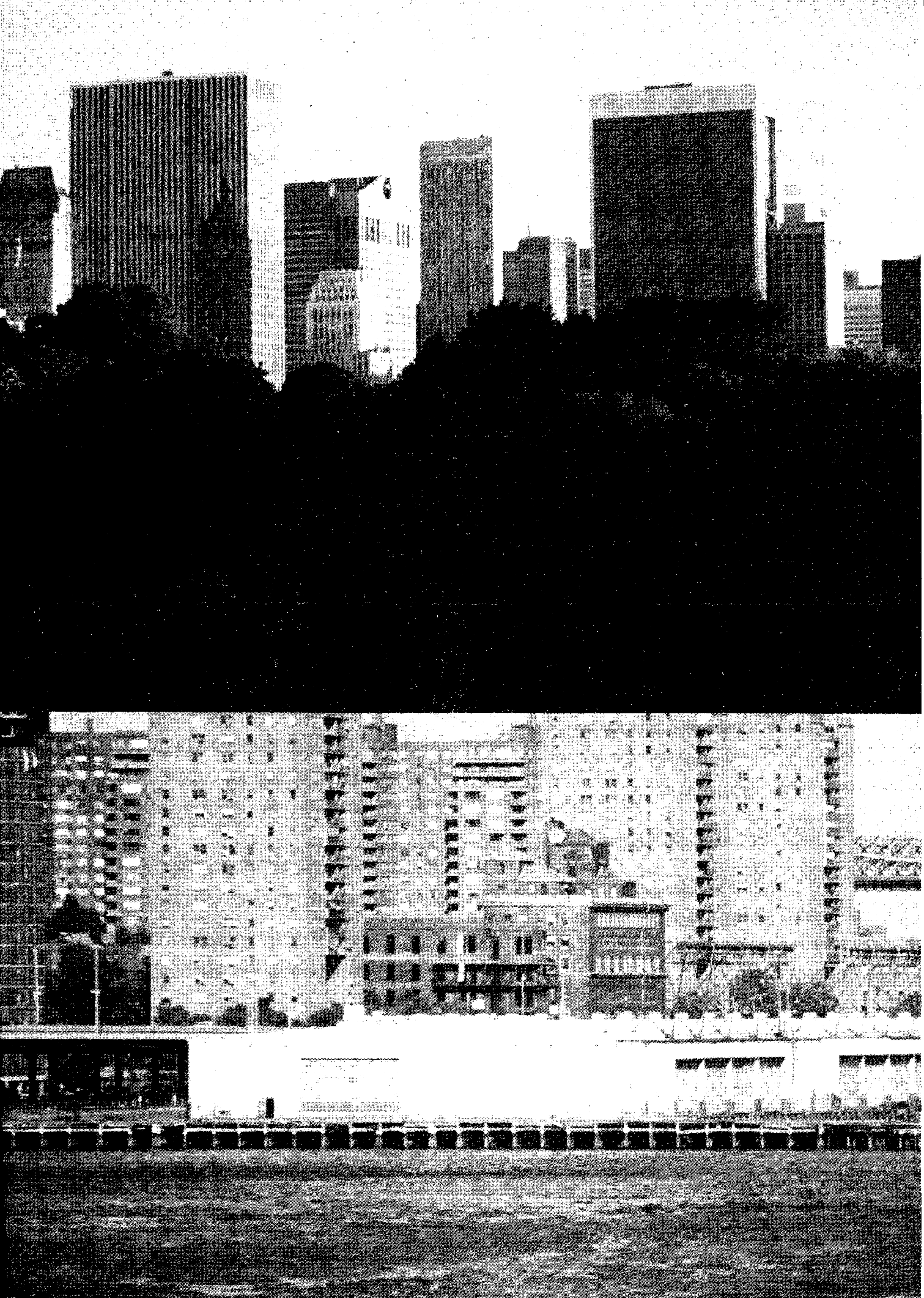
تقاضا داریم در ارسال وجه آبونمان و کمکهای کریمانه خود تسریع فرمائید.